



دین و زندگی

دین و زندگی (۳)

رشته‌های علوم تجربی - ریاضی و فیزیک - فنی و حرفه‌ای - کار دانش

پایه دوازدهم

دوره دوم متوسطه

باسم‌ تعالی

جزوه سوالات درس به درس دین و زندگی (۳)، پایه دوازدهم؛

ردیف	دسته	درس اول: «ستن پوش»
۱	هر کدام از ما بر اساس «.....» خدا را در می‌باییم و حضورش را درک می‌کنیم.	پاسخ: «فطرت خوبش»
۲	ما بر اساس فطرت [الله] خوبش، می‌دانیم که در جگونه جهانی زندگی می‌کنیم؟	پاسخ: در جهانی زندگی می‌کنیم که، آفریننده‌ای «حکیم» آن را هدایت و پشتیبانی می‌کند و به موجودات و مخلوقات مدد می‌رساند.
۳	آیا شناخت او/یه از جهانی که در آن زندگی می‌کنیم، کافی است؟ توضیح دهید.	پاسخ: خیر، با وجود این شناخت او/یه و فطری، قرآن کریم؛ ما را به معرفت عمیق‌تر درباره خداوند فرا می‌خواند و راه‌های گوناگونی برای درک وجود او و نیز شناخت صفات و افعال او به ما نشان می‌دهد. یکی از این راه‌ها، تفکر درباره نیازمند بودن جهان در پیداکش خود، به آفریننده و خالق است.
۴	اگر به خودمان نظر گنیم، خود را «پدیده» می‌باییم یا «پدیدار»؟ توضیح دهید.	پاسخ: خود را «پدیده‌ای» می‌باییم که وجود و هستی مان از خودمان نیست. اگر در اشیای پیرامون خود نیز تأمل کنیم، آن‌ها را همین گونه می‌بینیم؛ حیوانات، نباتات، جمادات، زمین، ستاره‌ها و کهکشان‌ها، همه را پدیده‌هایی می‌باییم که وجودشان از خودشان نبوده و نیست.
۵	پدیده‌ها – که وجودشان از خودشان نیست – برای موجود شدن، نیازمند به چه کسی هستند؟ بنویسید.	پاسخ: نیازمند به پدیدآورنده‌ای (پدیداری) هستند که خودش پدیده نباشد، بلکه وجودش از خودش باشد؛ همان‌طور که چیزهایی که شیرین نیستند، برای شیرین شدن نیازمند به چیزی هستند که خودش شیرین باشد. «عبدالرحمان جامی» این معنا را در دو بیت چینی بیان می‌کند: ذات نایافته از هستی، بخش چون تواند که بود هستی بخش خشک ابری که بود ز آب تپه ناید از وی صفت آب دهی
۶	دو آفرینش، یک موجود فقط در چه صورتی در «وجود خود» نیازمند به دیگری نیست؟ بنویسید.	پاسخ: فقط در صورتی که «خودش <u>ذاتاً</u> موجود باشد» در این صورت، چنین چیزی دیگر پدیده نیست و نیاز به پدید آورنده نخواهد داشت؛ زیرا همواره بوده است و خواهد بود.
۷	ما و همه پدیده‌های جهان در پدید آمدن و هست شدن خود، به چه کسی نیازمند و محتاجیم؟	پاسخ: به آفریننده‌ای نیازمندیم که خودش پدیده نباشد و سرچشمۀ هستی باشد. این موجود برتر و متعالی «خدا» نامیده می‌شود.
۸	آیا رابطه «جهان» با «خدا» مانند رابطه «بنّا» با «مسجد» است؟ توضیح دهید.	پاسخ: اگر اندکی دقت کنیم، در می‌باییم که یک تقاضا بنا دین میان این دو رابطه وجود دارد. مسجد، از مصالح ساختمانی مانند خاک، سنگ، گچ، چوب، کاشی و... تشکیل شده که هیچ کدام از آن‌ها را بنّا به وجود نیاورده است. هر یک از این مصالح نیز خواصی دارند که بنّا آن را <u>ایجاد نمی‌کند</u> . بنّا، نه چسبندگی گچ را ایجاد می‌کند و نه ساختی و استحکام سنگ را. به عبارت دیگر؛ بنّا، نه اجزای ساختمان را پدید آورده و نه خواص آن اجزا را. کار بنّا، فقط <u>جابه‌جا کردن مواد و چیزی آن‌ها</u>

	است. اما خداوند، خالق سنگ، گچ، چوب و خواص آن‌ها و حتی خالق خود بُنا است. بر این اساس وجود و هستی بُنا و نیز وجود مصالح و خواص آن‌ها، همه وابسته به خداست و خداوند هر لحظه اراده کند، آن‌ها را از بین می‌برد و ساختمان متلاشی می‌گردند. به همین جهت، جهان همواره و در هر «آن» به خداوند نیاز‌مند است و این نیاز هیچ‌گاه قطع و یا کم نمی‌شود.	
۱۰	دو مقام مثال؛ رابطه «خداوند» با «جهان»، تا حدی شبیه کدام نوع رابطه است؟ بنویسید. پاسخ: رابطه «موقد» با «جريان برق» است؛ همین که «مولد» متوقف شود، «جريان برق» هم قطع می‌گردد و لامپ‌های متصل به آن نیز خاموش می‌شوند.	۹
۱۰	تفاقوت مسجد و ساختمان را با پدیده‌ها و موجودات در مرحله پیدایش مقایسه نمایید. پاسخ: مسجد و ساختمان با ساخته شدن، از بُنا، بُنىاز می‌شوند اما پدیده‌ها و موجودات چنین نیستند و پس از پیدایش نیز همچنان مانند لحظه نخست خلق شدن، به خداوند نیاز‌مند هستند. از این رو دائمًا با زبان حال، به پیشگاه الهی عرض نیاز می‌کنند.	۱۰
۱۱	تفاقوت انسان‌های «ناآگاه» و انسان‌های «آگاه» نسبت به نیازهای دائمی به خداوند را بنویسید. پاسخ: انسان‌های «ناآگاه» نسبت به نیاز دائمی انسان به خداوند، «بِيَوْجَاهَنَدْ» اما انسان‌های «آگاه»، دائمًا سایه لطف و رحمت خدا را احساس می‌کنند و خود را نیاز مند عنایات پیوسته او می‌دانند.	۱۱
۱۲	هر چه معرفت انسان به خود و رابطه‌اش با خدا بیشتر شود، چه نتایجی در پی خواهد داشت؟ پاسخ: نیاز به خدا را بیشتر احساس و عجز و بندگی خود را به او، بیشتر ابراز می‌کند. افزایش خودشناسی — در کم بیشتر فقر و نیاز — افزایش عبودیت و بندگی خداوند	۱۲
۱۳	«بِيَامِبِرْگَرامِ مَلَهْ» با آن مقام و منزلت خود در پیشگاه الهی، عاجزانه از خداوند می‌خواهد که برای یک لحظه هی، لطف و رحمت خاصش را از او نکیرد و او را به حال خود و اکذار نکند. «کدام گزینه، وافق مطلب است؟ الف) اللَّهُمَّ لَا تَكُلُّ إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبْدَا [] ب) اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ [] ج) يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفَقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْخَمِيدُ [] د) يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلُّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَانِ []	۱۳
۱۴	قرآن‌کریم، رابطه میان «خداوند» و «جهان هستی» را با چه کلمه‌ای بیان می‌کند؟ بنویسید. پاسخ: با کلمه‌ای بیان می‌کند که در نظر اول برای ما شگفت‌انگیز می‌نماید! اما پس از تفکر دقیق، به معنای آن پی می‌بریم؛ قرآن‌کریم می‌فرماید: «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ؛ خداوند، نور آسمان‌ها و زمین است». ما با نور خورشید، نور لامب و انواع نورهای دیگر آشنا هستیم و می‌دانیم که خداوند از نورهایی نیست که از اجسام ناشی می‌شوند، یعنی منشأ مادی دارند.	۱۴
۱۵	«نور» چیست؟ بنویسید. پاسخ: آن چیزی است که خودش پیدا و آشکار است و سبب پیدایی و آشکار شدن چیزهای دیگر نیز می‌شود. نورهای معمولی هم این خاصیت را دارند که خودشان آشکار هستند و سبب آشکار شدن اشیای دیگر می‌شوند.	۱۵
۱۶	«نور بودن خداوند» به چه معناست؟ پاسخ: خداوند، «نور هستی» است. یعنی تمام موجودات «وجود» خود را از او می‌گیرند و به سبب او پیدا و آشکار شده و پا به عرصه هستی می‌گذارند. در واقع، هر موجودی در حد خودش تجلی بخش خداوند و نشانگر حکمت، قدرت، رحمت و سایر صفات الهی است.	۱۶

۱۷	<p>«آنان که به دقت و تأمل در جهان هستی می‌نگرفتند، در هر چیزی خدا را مشاهده می‌کنند و علم و قدرت او را می‌بینند.» اگر از ما سؤال شود، کدام بیت مؤید مطلب بالاست، باید پگوییم: تمامی ایات به جز بیت</p> <p>الف) دلی کز معرفت نور و صفا دید <input type="checkbox"/> به هر چیزی که دید، اول خدا دید <input checked="" type="checkbox"/> لطف تو ناگفته ما می‌شند <input type="checkbox"/> ب) ما نبودیم و تقاضامان نبود <input type="checkbox"/> به دریا بنگرم صحراء تو بینم <input type="checkbox"/> ج) به صحراء بنگرم صحراء تو بینم <input type="checkbox"/> نشان از قامت رعنای تو بینم <input type="checkbox"/> د) به هر جا بنگرم کوه و در و دشت</p>	۱۱
۱۸	<p>این که انسان بتواند با هر چیزی خدا را بینند، چگونه قابل دسترسی و تحقق است؟ بنویسید.</p> <p>پاسخ: این که انسان بتواند با هر چیزی خدا را بینند، معرفتی عمیق و والاست که در نگاه نخست، مشکل به نظر می‌آید، اما هدفی قابل دسترس است، به خصوص برای فوجوانان و جوانان که «باکی و صفائی قلب» دارند. اگر قدم پیش گذاریم و با عزم و قصیم قوی حرکت کنیم، به یقین خداوند نیز کمک خواهد کرد و لذت چنین معرفتی را به ما خواهد چشاند.</p>	۱۲
۱۹	<p>موضوعاتی که می‌خواهیم درباره آن‌ها شناخت پیدا کنیم، چند دسته‌اند؟ آن‌ها را بنویسید.</p> <p>پاسخ: دسته اول موضوعاتی هستند که در «محدوده شناخت» ما قرار می‌گیرند، مانند گیاهان، حیوان‌ها، ستارگان و کهکشان‌ها؛ حتی کهکشان‌های بسیار دور هم ممکن است روزی مورد شناسایی واقع شوند و انسان بتواند ماهیت و ذات آن‌ها را شناسایی کند. در حقیقت، ذهن می‌توان و گنجایش فهم جیستی و ذات چنین موضوعاتی را دارد؛ زیرا همه آن‌ها اموری «محدود» هستند. دسته دوم موضوعاتی هستند که «نامحدودند» و ذهن ما گنجایش درک آن‌ها را ندارد؛ زیرا لازمه شناخت هر چیزی احاطه و دسترسی به آن است.</p>	۱۳
۲۰	<p>آیا می‌توان به ذات خداوند پی بود و چیستی او را مشخص کرد؟ توضیح دهید.</p> <p>پاسخ: ذات خداوند از موضوعات دسته دوم در شناخت قرار می‌گیرد، یعنی ذات خداوند، از موضوعات «نامحدود» است که ذهن ما گنجایش درک آن را ندارد، به عبارت دیگر، لازمه شناخت هر چیزی احاطه و دسترسی به آن است، در حالی که ذهن ما توانایی احاطه و دسترسی بر ذات و چیستی خداوند را ندارد. [به دلیل محدود بودن ذهن خود، نمی‌توانیم ذات امور نامحدود را تصور کنیم و چگونگی وجودش را دریابیم.]</p>	۱۴
۲۱	<p>چرا ذهن مانمی‌تواند به حقیقت خداوند احاطه پیدا کند و ذاتش را شناسایی نماید؟ بنویسید.</p> <p>پاسخ: زیرا خداوند، حقیقتی «نامحدود» دارد؛ به عبارت دیگر، به دلیل محدود بودن ذهن خود، نمی‌توانیم ذات خدای نامحدود را تصور و چگونگی وجودش را دریابیم.</p>	۱۵
۲۲	<p>دو بیام برای حدیث یا میراکرم(ص) که در آن می‌فرماید: «نَكَرُوا فِي كُلِّ شَيْءٍ وَلَا نَكَرُوا فِي ذَاتِ اللَّهِ» بنویسید.</p> <p>پاسخ: ۱) ما می‌توانیم به وجود خداوند به عنوان آفریدگار جهان پی ببریم و صفات و اسماء او را بشناسیم. ۲) ما نمی‌توانیم ذات و چیستی خداوند را به دلیل محدود بودن ذهن خود، تصور کنیم.</p>	۱۶

باسم‌ تعالیٰ

جزوه سوالات درس به درس دین و زندگی (۳)، پایه دوازدهم،

ردیف	درس دوم: <i>یکانه بی همتا</i>	صفت				
۱	<p>به سوالات زیر پاسخ دهید:</p> <ul style="list-style-type: none"> * مهم‌ترین اعتقاد دینی، چیست؟ پاسخ: «توحید و یکتاپرستی» * دین توحید و کتاب توحید به ترتیب، و است. پاسخ: «اسلام» - «قرآن» * در اسلام بدون اعتقاد به کدام اصل، هیچ اعتقاد دیگری اعتبار ندارد؟ پاسخ: «توحید» * سروچه دعوت همه پیامبران، کدام اصل از اصول دین بوده است؟ پاسخ: «توحید» * قرآن کریم اخلاق، احکام و همه اعمال فردی و اجتماعی مؤمنان را بر مدار اصل قرار داده است. پاسخ: «توحید» * کدام اصل از اصول دین، مانند روحی در پیکره معارف و احکام دین حضور دارد و به آن حیات و معنا می‌بخشد؟ پاسخ: «توحید» 	۱۸				
۲	«توحید» به معنای «اعتقاد به خدای یکانه است»؛ یعنی چه؟ پاسخ: یعنی، «خدا» بی‌همتاست و شریکی ندارد.	۲۰				
۳	رسول خدا (ص) از همان آغاز رسالت خود از مشرکان متوجه خواست با گفتن کدام جمله، دست از شرک و بت پرستی بردازند و به چه چیزی ایمان آورند؟ پاسخ: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» - «خدای یکانه».	۲۰				
۴	<p>با گفتن عبارت «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» قوسم افراد، چه نتایجی حاصل می‌شود؟</p> <p>پاسخ: ۱) تمام احکام و حقوق اسلامی فرد به رسمیت شناخته می‌شود. ۲) دفاع از حقوق این فرد، بر دیگر مسلمانان واجب می‌گشت. ۳) در زمرة برادران و خواهران دینی قرار می‌گرفت.</p>	۲۰				
۵	<p>آیا جمله «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» فقط یک شعار است؟ با ذکر مثال توضیح دهید.</p> <p>پاسخ: «خیر»، فقط یک شعار نبود؛ بلکه التزام به آن همه زندگی فرد تازه مسلمان را در وابطه با خدا، خوبشتن، خاتواده، اجتماع و دیگر مخلوقات تغییر می‌داد. به عنوان مثال، جعفر بن ابی طالب (ع) در حضور نجاشی - پادشاه حبشه - این تغییر وضعیت را توصیف کرد.</p>	۲۰				
۶	<p>جعفر بن ابی طالب (ع) در حضور نجاشی - پادشاه حبشه - چگونه «فسیر وضعیت» مردم عربستان را توصیف کرد؟ بنویسید</p> <table border="1" style="width: 100%; border-collapse: collapse;"> <tr> <td style="width: 50%;">قومی بودیم؛ جاهل، بُت می‌برستیدیم، مُردار می‌خوردیم، مرتكب زشتی‌ها می‌شدیم، پیوند خوبی‌شاندی را قطع می‌کردیم، بی‌پناه را پناه نمی‌دادیم وقوی، ضعیف را می‌بلعید!</td> <td style="width: 50%; text-align: center;">قبل از اسلام</td> </tr> <tr> <td>بی‌پناهی، مارا به خدا فراخواند که او را یگانه بدانیم، عبادت کنیم و آن چه را که خود و پدرانمان می‌پرستیدیم، کنار بگذاریم، چیزی را شریک او قرار ندهیم، او ما را به عدل، احسان، راستی، درستی، امانت‌داری و نیکی نسبت به خوبشان و همسایگان دعوت کرد و از خوردن مال یتیم و ارتکاب فحشاء و منکر و دروغ نهی کرد و دستور داد نماز را به پا داریم، زکات پردازیم و ماه رمضان را روزه بگیریم، مانیز او را تصدیق کرده و به او ایمان اوردیم و از او پیروی کردیم.</td> <td style="text-align: center;">بعد از اسلام</td> </tr> </table>	قومی بودیم؛ جاهل، بُت می‌برستیدیم، مُردار می‌خوردیم، مرتكب زشتی‌ها می‌شدیم، پیوند خوبی‌شاندی را قطع می‌کردیم، بی‌پناه را پناه نمی‌دادیم وقوی، ضعیف را می‌بلعید!	قبل از اسلام	بی‌پناهی، مارا به خدا فراخواند که او را یگانه بدانیم، عبادت کنیم و آن چه را که خود و پدرانمان می‌پرستیدیم، کنار بگذاریم، چیزی را شریک او قرار ندهیم، او ما را به عدل، احسان، راستی، درستی، امانت‌داری و نیکی نسبت به خوبشان و همسایگان دعوت کرد و از خوردن مال یتیم و ارتکاب فحشاء و منکر و دروغ نهی کرد و دستور داد نماز را به پا داریم، زکات پردازیم و ماه رمضان را روزه بگیریم، مانیز او را تصدیق کرده و به او ایمان اوردیم و از او پیروی کردیم.	بعد از اسلام	۲۰
قومی بودیم؛ جاهل، بُت می‌برستیدیم، مُردار می‌خوردیم، مرتكب زشتی‌ها می‌شدیم، پیوند خوبی‌شاندی را قطع می‌کردیم، بی‌پناه را پناه نمی‌دادیم وقوی، ضعیف را می‌بلعید!	قبل از اسلام					
بی‌پناهی، مارا به خدا فراخواند که او را یگانه بدانیم، عبادت کنیم و آن چه را که خود و پدرانمان می‌پرستیدیم، کنار بگذاریم، چیزی را شریک او قرار ندهیم، او ما را به عدل، احسان، راستی، درستی، امانت‌داری و نیکی نسبت به خوبشان و همسایگان دعوت کرد و از خوردن مال یتیم و ارتکاب فحشاء و منکر و دروغ نهی کرد و دستور داد نماز را به پا داریم، زکات پردازیم و ماه رمضان را روزه بگیریم، مانیز او را تصدیق کرده و به او ایمان اوردیم و از او پیروی کردیم.	بعد از اسلام					

۲۰	توحید و یگانگی خداوند مراتبی دارد، چهار مورد را بنویسید. پاسخ: ۱- توحید در خالقیت ۲- توحید در مالکیت ۳- توحید در ولایت ۴- توحید در رویتیت	۷
۲۰	از مراتب توحیده «توحید در خالقیت» را توضیح دهید. پاسخ: عبارت از این است که معتقد باشیم؛ «خداوند، تنها مبدأ و خالق جهان است»، «موجودات، همه مخلوق او هستند» و «در کار آفرینش شریک و همتای ندارد». آیه شریفه: «اللَّهُ خالقٌ كُلُّ شَيْءٍ...» میین این مطلب است.	۸
۲۰ ۹ ۲۱	چرا خداوند، تنها خالق جهان است؟ (چرا تصور چند خدایی صحیح نیست و خدای واحد، آفریننده جهان است؟) پاسخ: این تصور که چند خدا وجود دارد و هر کدام خالق بخشی از جهان اند یا با همکاری یکدیگر این جهان را آفریده اند، به معنای آن است که هر کدام از آن‌ها «محدود» و «تفاصل» هستند و به تنها یعنی <u>نمی‌توانند</u> کل جهان را خلق کنند. همچنین به معنای آن است که هر یک از خدایان مذکور کمالاتی دارد که دیگری آن کمالات را <u>ندارد</u> و گرته عین همدیگر می‌شوند و دیگر چند خدا <u>نیستند</u> . چنین خدایان ناقصی، خود، نیازمند هستند و هریک از آن‌ها به خالق کامل و بی‌نیازی احتیاج دارد که نیازش را بوطرف نماید. پس، تصور چند خدایی صحیح نیست و خدای واحد، آفریننده جهان است.	۹
۲۱	از مراتب توحیده «توحید در مالکیت» را توضیح دهید. پاسخ: هر کس که چیزی را پدید می‌آورد، «مالک» آن است. از آن جا که خداوند، تنها خالق و پدیدآورنده جهان است، پس، تنها «مالک» آن نیز هست. آیه شریفه: «فَلِإِلَهٌ مَّا لَكُمْ ثُوَبَتِ الْمُلْكُ مَنْ تَشَاءُ...» میین این مطلب است.	۱۰
۲۱ ۹ ۲۲	از مراتب توحیده «توحید در ولایت» را توضیح دهید. پاسخ: هر کس «مالک» چیزی باشد، حق تصرف و تغییر در آن چیز را دارد اما دیگران بدون اجازه وی، <u>نمی‌توانند</u> در آن تصرف یا از آن استفاده کنند. به این حق تصرف، «ولایت» و «سربرستی» می‌گویند. آیه شریفه: «...مَا لَهُمْ مَنْ دُونَهُ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا يُشَرِّكُ فِي حُكْمِهِ أَحَدًا» مؤنث این مطلب است. از آن جا که خداوند، تنها «مالک» جهان است، تنها «ولی» و «سربرست» آن نیز هست و مخلوقات، جز به إذن و اجازه او <u>نمی‌توانند</u> در جهان تصرف کنند. چنین إذنی به معنی واگذاری ولایت خداوند به دیگری نیست.	۱۱
۲۲	اگر خداوند ولایتی به شخصی بدهد، به چه معناست؟ توضیح دهید. پاسخ: بدین معناست که خداوند، آن شخص را در مسیر و مجرای ولایت خود قرار داده است. اگر خداوند، پیامبر اکرم(ص) را ولی انسان‌ها معرفی می‌کند، بدین معناست که ایشان را «واسطه ولایت خود» و «رساننده فرمان‌هایش» قرار داده است.	۱۲
۲۲	از مراتب توحیده «توحید در رویتیت» را توضیح دهید. پاسخ: «رب»، به معنای «مالک» و «صاحب اختیاری» است که تدبیر و پرورش مخلوق به دست اوست. هر کس که خالق، مالک و ولی چیزی باشد می‌تواند آن را تدبیر کرده و پرورش دهد. از آن جا که خداوند تنها خالق، مالک و ولی جهان است، تنها رب هستی (وجود) نیز می‌باشد. اوست که جهان را «اداره» می‌کند و آن را به سوی مقصدی که برایش معین فرموده، هدایت می‌نماید و به پیش می‌برد.	۱۳

۱۴	آیا توحید در رویت بدین معناست که موجودات—به خصوص انسان—قدرت تدبیر ندارد؟ توضیح دهد.								
۲۲	<p>پاسخ: «خیر»—باغبانی که زحمت می‌کشد و به پرورش درختان اقدام می‌کند، رشد این درختان نتیجه تدبیر است. بلکه، توحید در رویت بدین معناست که این با غبان و تدبیرش همه از آن خدا و تحت تدبیر او بیند. کشاورز وقتی خود را با دیگران، یعنی کسانی که در کشت زمین او دخالتی نداشته‌اند، مقایسه می‌کند می‌بیند که این زراعت حاصل دسترنج خودش است، اما وقتی رابطه خود را با خدا بررسی می‌کند، می‌بیند که هم خودش و هم نیرو و توانش از آن خدادست و کشت و زرع او بر اساس استعدادی که خداوند در آن قرار داده رشد کرده و محصول داده است. در نتیجه، در می‌باید که زارع حقیقی و پرورش دهنده اصلی زراعت او خدادست و باید شکرگزار او باشد. آیه شریفه: «فَلَمَّا أَغْيَرَ اللَّهُ أَبْغَى رِبَّا وَهُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ...» مؤید این مطلب است.</p>								
۱۵	<p>به سؤالات زیر پاسخ گوشه دهید:</p> <p>* شرک به چه معناست؟ پاسخ: به معنای «شریک قرار دادن برای خدا» است.</p> <p>* هر کس که معتقد خداوند شریک دارد، به حساب می‌آید. پاسخ: «مشرك».</p> <p>* شرک مانند توحید، در جاتی دارد. درست نادرست</p>								
۲۳	<p>اگر کسی معتقد باشد که این جهان را «جند خالق» آفریده‌اند، گرفتار چه نوع شرکی شده است؟</p> <p>پاسخ: «شرک در خالقیست».</p>								
۱۶	جدول زیر که درباره مراتب شرک است را کمل نمایید.								
۲۴	<table border="1"> <thead> <tr> <th>شرک در خالقیت</th> <th>شرک در مالکیت</th> </tr> </thead> <tbody> <tr> <td>اگر کسی معتقد باشد که این جهان را «جند خالق» آفریده‌اند، گرفتار «شرک در خالقیت» شده است.</td> <td>عبارت است از، اعتقاد به این که علاوه بر خداوند و در کنار او، دیگران هم مالک «بعشی» از جهان هستند. اگر کسی معتقد به شرک در «خالقیت» باشد، معتقد به شرک در «مالکیت» نیز خواهد بود.</td> </tr> <tr> <th>شرک در ولایت</th> <th>شرک در برویت</th> </tr> <tr> <td>عبارت است از، اعتقاد به این که علاوه بر خداوند و در کنار او، دیگرانی نیز هستند که سرپرستی جهان را بر عهده دارند و «خودشان، حق تصرف در جهان را دارا می‌باشند».</td> <td>عبارت است از، اعتقاد به این که علاوه بر خداوند و در کنار او، دیگرانی نیز هستند که «قدیمی امور موجودات را بر عهده دارند». اگر کسی در کنار رویت الهی، برای خود یا سایر مخلوقات حساب جدایانه باز کند و گمان کند که کسی می‌تواند مستقل از خداوند، امور را تدبیر کند، گرفتار «شرک در رویت» شده است.</td> </tr> </tbody> </table>	شرک در خالقیت	شرک در مالکیت	اگر کسی معتقد باشد که این جهان را «جند خالق» آفریده‌اند، گرفتار «شرک در خالقیت» شده است.	عبارت است از، اعتقاد به این که علاوه بر خداوند و در کنار او، دیگران هم مالک «بعشی» از جهان هستند. اگر کسی معتقد به شرک در «خالقیت» باشد، معتقد به شرک در «مالکیت» نیز خواهد بود.	شرک در ولایت	شرک در برویت	عبارت است از، اعتقاد به این که علاوه بر خداوند و در کنار او، دیگرانی نیز هستند که سرپرستی جهان را بر عهده دارند و «خودشان، حق تصرف در جهان را دارا می‌باشند».	عبارت است از، اعتقاد به این که علاوه بر خداوند و در کنار او، دیگرانی نیز هستند که «قدیمی امور موجودات را بر عهده دارند». اگر کسی در کنار رویت الهی، برای خود یا سایر مخلوقات حساب جدایانه باز کند و گمان کند که کسی می‌تواند مستقل از خداوند، امور را تدبیر کند، گرفتار «شرک در رویت» شده است.
شرک در خالقیت	شرک در مالکیت								
اگر کسی معتقد باشد که این جهان را «جند خالق» آفریده‌اند، گرفتار «شرک در خالقیت» شده است.	عبارت است از، اعتقاد به این که علاوه بر خداوند و در کنار او، دیگران هم مالک «بعشی» از جهان هستند. اگر کسی معتقد به شرک در «خالقیت» باشد، معتقد به شرک در «مالکیت» نیز خواهد بود.								
شرک در ولایت	شرک در برویت								
عبارت است از، اعتقاد به این که علاوه بر خداوند و در کنار او، دیگرانی نیز هستند که سرپرستی جهان را بر عهده دارند و «خودشان، حق تصرف در جهان را دارا می‌باشند».	عبارت است از، اعتقاد به این که علاوه بر خداوند و در کنار او، دیگرانی نیز هستند که «قدیمی امور موجودات را بر عهده دارند». اگر کسی در کنار رویت الهی، برای خود یا سایر مخلوقات حساب جدایانه باز کند و گمان کند که کسی می‌تواند مستقل از خداوند، امور را تدبیر کند، گرفتار «شرک در رویت» شده است.								
۱۸	<p>اگر سؤالات زیر از ما پرسیده شود، چه پاسخی باید به آن‌ها بدهیم؟</p> <p>هر توحید و شرک کجاست؟ آیا اگر کسی پزشک را وسیله درمان و بیبود بیماری بداند، مشرك است؟ آیا اگر کسی از غیر خدا در خواست گمک کند، گرفتار شرک شده است؟ آیا اگر کسی دعا را وسیله جلب مغفرت الهی و صدقه را وسیله دفع بلا بداند، مشرك است؟ و بالاخره، آیا توسل به پیامبران و معمومین (علیهم السلام) شرک به حساب می‌آید؟</p> <p>پاسخ: می‌گوییم؛ اولاً خداوند «رابطه علیت» را میان پدیده‌های جهان حاکم کرده است. آتش، موجب گرما و روشی و دارو، سبب شفا و بهبودی است. پزشک، وسیله درمان؛ معمار، بنای ساختمان و معلم نیز وسیله تعلیم و تربیت است. در امور «معنوی» نیز همین گونه است. «دعا»، سبب مغفرت و آمرزش؛ «صدقه»، موجب دفع بلا و «صله رحم»، موجب افزایش طول عمر است. ثانیاً همان‌گونه که در خواست از پزشک برای درمان بیمار با توحید منافاتی ندارد، در خواست از اولیائی الهی برای اجابت خواسته‌ها نیز منافاتی با توحید ندارد.</p>								

۱۹		آیا اگر کسی از غیر خدا (مثلاً معلم یا پزشک) درخواست کمک کند، گرفتار شرک شده است؟ توضیح دهید.
۲۴		پاسخ: «خیر» - همه روابط موجود در میان مخلوقات جهان، توسط خداوند طراحی شده و به اذن و اراده او صورت می‌گیرد. بنابراین، کسی که برای آموختن، نزد معلم می‌رود یا برای درمان به پزشک مراجعه می‌کند، <u>نه تنها معلم و پزشک را</u> شریک خداوند قرار نداده، بلکه به «قانون الهی» عمل کرده است.
۲۰		آیا درخواست کمک از پزشک و اولیای الهی برای اجابت خواسته‌ها منافاتی با توحید دارد؟ توضیح دهید.
۲۴		پاسخ: «خیر» - زیرا پزشک به واسطه استفاده از اسباب «عادی» و اولیای الهی به واسطه اسباب «غیرعادی» و با اذن خداوند این کار را انجام می‌دهند.
۲۱		عقیده به توائی پیامبر اکرم (ص) و اولیای دین (علیهم السلام) در بروآوردن حاجات انسان (مانند شفادادن) چه زمانی موجب «شرک» می‌شود و چه زمانی «عین توحید» است؟ پاسخ: وقتی که این توائی را از «خود آنها» و «مستقل از خدا» بدانیم. اما اگر این توائی را صرفاً از خدا و انجام آن را با درخواست اولیاء از خداوند و به إذن خدا بدانیم، عین توحید است و از این جهت مانند اثر شفا بخشی داروست که خداوند به آن بخشیده است.
۲۲		آیا توائی کمک رساندن پیامبر اکرم (ص) و اولیای الهی (علیهم السلام) به دیگران، تنها به زمان حیات ذیوی آن‌ها اختصاص دارد؟ پاسخ: «خیر» - بلکه، پس از رحلت ایشان نیز استمرار دارد. به عبارت دیگر، روح مطهر ایشان پس از رحلت زنده است و می‌تواند به انسان‌ها یاری برساند.
۲۳		اگر ما از رسول خدا (ص) چیزی درخواست کنیم، درخواست از «.....» <u>فیست</u> بلکه از حقیقت «.....» و «.....» ایشان است. پاسخ: «جسمشان»، «روحانی» و «معنوی».
۲۴		آیا اگر کسی از پدر و مادرش و یا هر مؤمنی بخواهد که برای سعادتمندی او دعا کند، چنین درخواستی شرک آنود است؟ پاسخ: هیچ گروهی از مسلمانان، غیر از جریانی که امروزه به «تکفیری‌ها» مشهور شده، چنین درخواستی را شرک آنود نمی‌دانند. «جریان تکفیری» در سال‌های اخیر، برحی از جوامع و کشورهای اسلامی را گرفتار خود کرده است. پیروان این جریان فکری خشک و غیرعقلانی با تفکر غلطی که درباره «توحید» و «شرک» دارند، هر مسلمانی را که مانند آن‌ها نمی‌اندیشند، «مشرک» و «کافر» می‌خوانند و گاه کشتن او را «واجب» می‌شمارند.
۲۵		کدام جریان، بزرگترین ضربه را به اسلام وارد کرد و سبب تنفس برشی از مردم جهان از اسلام شد؟ پیروان این گروه چه اعتقاداتی دارند؟ پاسخ: «جریان تکفیری» - ۱) توسط به پیامبران و معصومین، «شرک» است. ۲) طلب دعا و شفیع قرار دادن دیگران برای این که خدا انسان را ببخشد، «شرک» است. ۳) معتقدند این گونه افراد، «کافر» هستند و مسلمان محسوب نمی‌شوند.
۲۶		دو نمونه از قوست که در قرآن کریم ذکر شده است و بنویسید. پاسخ: ۱- قرآن کریم نقل می‌کند که «فرزندان یعقوب» از پدرشان درخواست کردند که برای آن‌ها طلب امرازش کند و حضرت یعقوب(ع) نیز به آنان وعده داد. ۲- قرآن کریم بیان می‌کند استغفار پیامبر(ص) در حق «منافقان» <u>مؤثر نیست</u> ، اما در مورد دیگران مؤثر است.
۲۷		دو قوییخ درباره درخواست دعای مسلمانان از پیامبر(ص) در زمان حیات و پس از رحلت ایشان، چه آمده است؟ بنویسید. پاسخ: در زمان حیات ایشان، برای درخواست دعا نزد آن حضرت می‌آمدند. پس از رحلت ایشان نیز، در کنار قبرشان می‌رفتند یا از دور درخواست خود را مطرح می‌کردند.

باسم‌تعالی

جزوه سوالات درس به درس دین و زندگی (۳)، پایه دوازدهم

ردیف	درس سوم: توحید و سیک زندگی	ردیف
۱	هر سیکی از زندگی مل، ریشه دو چه چیزهایی دارد و از چه چیزی سرچشمه می‌گیرد؟ پاسخ: ریشه در «اندیشه‌های خاصی» دارد و از «جهان بینی ویژه‌ای» سرچشمه می‌گیرد.	۳۰
۲	شناخت ریشه اندیشه‌های خاص که از جهان بینی ویژه‌ای سرچشمه می‌گیرد، چه گمکی به ما می‌کند؟ پاسخ: به «تصمیم‌گیری درست ما» کمک فراوان می‌کند.	۳۰
۳	زندگی توحیدی، شیوه‌ای از زندگی است که ریشه در «..... دارد. پاسخ: «جهان بینی توحیدی»	۳۰
۴	همه‌ترین عامل در تعیین هدفها و رفتارهای هر فرد، کدام است؟ توضیح دهید. پاسخ: «افکار و اعتقادات آن فرد»- مثلاً اگر کسی پذیرفت و ایمان پیدا کرد که سعادت بشر در کسب ثروت است و انسان فقط با لذت‌های ماذی خوشبخت می‌شود، به طور طبیعی، زندگی خود را صرف رسیدن به همین هدف می‌کند. با اگر کسی چنین اندیشد و واقعاً معتقد شد که آگاهی و دانش، بزرگ‌ترین کمال انسان است و هیچ امر دیگری با آن قابل مقایسه نیست، عمر خود را به کسب علم خواهد گذراند و در همین راه سعی و تلاش خواهد کرد. پس، هر فردی متناسب با «اعتقادات خوبش»، مسیر زندگی خود را انتخاب و بر همان اساس رفتار خواهد کرد.	۳۱
۵	انسانی که خداوند را به عنوان تنها خالق جهان پذیرفته است و ایمان دارد که او پیور و دکار هستی است، چگونه رفتاری خواهد داشت و چگونه زندگی‌ای برای خود تنظیم خواهد نمود؟ پاسخ: رفتاری متناسب با این اعتقاد خواهد داشت و یک زندگی «وحیدی» برای خود تنظیم خواهد نمود.	۳۱
۶	کدام آیه، بیانگر «بازتاب توحید در زندگی فرد» است؟ پاسخ: «إِنَّ اللَّهَ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُّسْتَقِيمٌ».	۳۱
۷	از آن جا که ایمان همه افراد یکسان نیست و دارای شدت و ضعف است، میزان این تأثیرگذاری به چه چیزهایی بستگی دارد؟ پاسخ: به «درجه ایمان افراد به توحید و یکتاپرستی» دارد. یعنی هر چه ایمان فرد قوی تر باشد، تأثیر عملی آن در زندگی بیش تر و هر چه ضعیف‌تر باشد، تأثیر آن کم تر خواهد بود. با این معیار، هر کس می‌تواند درجه ایمان خود و تأثیر آن را در زندگی خویش برسی کند.	۳۲
۸	کسی که بندۀ خداست و او را می‌پرستد، چه ویژگی‌هایی دارد؟ پاسخ: ۱- در برابر خدا، خاضع و خاشع است. ۲- خدا را محبوب و معبد خود می‌داند. ۳- بر آستان خدا نماز می‌گزارد و به درگاه او دعا می‌کند. ۴- چهت زندگی خود را خدا قرار می‌دهد. ۵- چنین انسانی در مسیر توحید گام برداشته و به «توحید عملی» رسیده است.	۳۲
۹	«توحید عملی» دارای چند بعد است؟ آن‌ها را بنویسید. پاسخ: «دو بعد»، «فردی» و «اجتماعی».	۳۲

۳۲	بعد فردی توحید عملی و ثمرات آن را بنویسید.	۱۰
پاسخ: هر کسی در زندگی خود از «فرمان‌های خدا اطاعت کند»، به «مراقبی از توحید عملی» رسیده است. چنین فردی می‌کوشد تمایلات درونی و تصمیمهای خود را در جهت «خواست و رضایت الهی» قرار دهد. مثلاً در انتخاب همسر، شغل، دوست، در چگونگی تحصیل، تفريح، ورزش و حتی در انتخاب نوع بوشش و به طور کلی در تمام برنامه‌های روزانه خود، خدا را در نظر می‌گیرد و تلاش می‌کند از دایره فرمان‌های او خارج نشود.		
۳۲	برای یک انسان موحد، «جهان» یا «عالی» چگونه معنایی دارد؟ توضیح دهد.	۱۱
پاسخ: برای یک انسان موحد، جهان، «عنای خاص خود» را دارد. از نظر او؛ هیچ حادثه‌ای در عالم بی‌حکمت نیست، گرچه حکمت آن را نداند. از همین رو، موحد واقعی همواره انسانی امیدوار است. در مقابل سختی‌ها و مشکلات، صبور و استوار است و آن‌ها را زمینهٔ موققیت‌های آینده‌اش قرار می‌دهد. باور دارد که دشواری‌های زندگی نشانهٔ بی‌مهری خداوند نیست، بلکه بستری برای «رشد و شکوفایی» است.		
۳۳	شخصیت ثابت و پایدار داشتن انسان موحد و «برخورداری وی از آرامش روحی»، معلوم و نتیجهٔ چه چیزهایی است؟	۱۲
پاسخ: معلوم و نتیجهٔ «تنظیم زندگی خود بر اساس رضایت الهی» و «بیرو فرمان‌های او بودن» است.		
۳۳	انسان موحد چون زندگی خود را بر اساس رضایت خداوند تنظیم کرده و بیرو فرمان‌های اوست، چگونه شخصیتی دارد؟ توضیح دهد.	۱۳
پاسخ: شخصیتی «ثبت و پایدار» دارد و «برخوردار از آرامش روحی» است. چنین فردی، موجودات جهان را مخلوق خدا می‌بیند و می‌داند که خداوند، او را در برابر شان «مسئول» قرار داده است. همچنین، بدن خود را «املتقی الهی» می‌شمارد که خداوند به او سپرده است؛ بنابراین می‌داند که حق ندارد به آن آسیب برساند، همچنان که حق ندارد سلامتی دیگران را به خطر اندازد.		
۳۳	چرا امام علیه‌السلام به مردم زمان خود و همه مردمی که به خدا ایمان دارند می‌فرماید: «قوای الهی بیشه کنید؛ هم در مورد بندگان خدا، هم در مورد شهرها و آبادی‌ها؟». پاسخ: زیرا که شما در برابر همه این‌ها حتی سرزمین‌ها و چهارپایان، «مسئولید». خدا را اطاعت کنید و از عصیان و نافرمانی او بپرهیزید.	۱۴
۳۳	آیا «انسان موحد» به حیوانات آسیب می‌رساند؟ بنویسید. پاسخ: «خیر»؛ بلکه به «ادامه بقا و زندگی آن‌ها» کمک می‌کند.	۱۵
۳۳	اگر از مادرسیده شود؛ چه کسی گرفتار شرک عملی می‌شود؟ چه پاسخی پایید بدheim؟ کدام آیه، مبین مطلب است؟	۱۶
پاسخ: کسی که دل به هوای نفس (بُت درون) سپرده و او را معبود خود قرار دهد و او امرش را به فرمان‌های خداوند ترجیح دهد یا در بی کسب رضایت قدرت‌های مادی و طلایع‌ها (نت‌های بیرون) بروایه، چنین شخصی گرفتار «شرک عملی» شده است.		
۳۳	آیه شریفه: «أَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ اللَّهَ هُوَاهُ أَفَلَمْ تَكُونُ عَلَيْهِ وَكِيلًا؟ آیا دیدی آن‌کسی را که هوای نفس خود را معبود خود گرفته، آیا تو می‌توانی ضامن او باشی [و به دفاع از او برخیزی؟] به کدام نوع شرک مربوط می‌شود؟ و به کدام یک از انواع بُتها اشاره دارد؟ بنویسید. پاسخ: «شرک عملی» - هوای نفس (بُت درون).	۱۷
۳۴	تسليم بودن فرد در برایر امیال نفسانی (بُت درون) و فرمان‌بینیری از طاغوت (بُت بیرون) باعث چه چیزهایی می‌شود؟ چرا؟	۱۸
پاسخ: باعث می‌شود شخص، «دروني نازارم و شخصیتی نایابدار داشته باشد»؛ زیرا از یک سو، هوای نفس وی هر روز خواسته جدیدی جلوی روی او قرار می‌دهد و از سوی دیگر، قدرت‌های مادی که هر روز رنگ عوض می‌کنند، او را به بردگی جدیدی می‌کشانند.		
۳۴	بعد اجتماعی توحید عملی» به چه معناست؟	۱۹
پاسخ: به معنای «قرار گرفتن همه نهادها و ارکان یک جامعه یا نظام اجتماعی در جهت خداوند و اطاعت همه جانبه از است.		

۳۴	مهمنه قرین رکن یک جامعه، «..... آن است. پاسخ: «حکومت»	۲۰
۳۴	چه زمانی یک نظام اجتماعی، «توحیدی» است؟ پاسخ: وقتی که حاکم و زمامدار آن؛ ۱) بر اساس قوانین الهی به حکومت رسیده باشد. ۲) همان شرایطی را که خداوند برای حاکم تعیین کرده است، دارد. ۳) بکوشد قوانین الهی را در جامعه به اجرا درآورد.	۲۱
۳۵	یک نظام اجتماعی علاوه بر رکن «سیاسی»، دارای چه ارکان دیگری است؟ توضیح دهد. پاسخ: دارای ارکان دیگری مانند «اقتصاد» و «فرهنگ» نیز هست. جامعه‌ای که در مسیر «وحید اجتماعی» حرکت می‌کند، اقتصاد و فرهنگ و سایر ابعاد و ارکان آن نیز، به سوی اجرای فرمان‌های خدای یگانه پیش می‌رود و به صورت جامعه‌ای «عدالت‌گستر» در می‌آید.	۲۲
۳۵	«جامعه توحیدی» چگونه جامعه‌ای است؟ پاسخ: جامعه‌ای است که از تفرقه و تضاد دوری می‌کند و به سوی وحدت و هماهنگی حرکت می‌نماید و این وحدت و هماهنگی را با تمدنک به توحید و یکتاپرستی و قرار گرفتن در سایه حکومت الهی می‌توان به دست آورده، <u>نه</u> با تمدنک به ظالمان و حکومت‌های غیراللهی.	۲۳
۳۵	«جامعه موحد» چه ویژگی‌هایی دارد؟ پاسخ: حکومت کسانی را که خداوند به آن‌ها حق حکومت کردن نداده است، نمی‌پذیرد. با آنان که با خداوند و مسلمانان دشمنی می‌ورزند، دوستی نمی‌کنند. با ظالمان مبارزه می‌کنند، با فرمان خداوند، از محرومان و مستضعفان حمایت می‌کنند. آیة شریفه «بِإِيمَانِ الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوّي وَغَدُوّكُمْ أَوْلَيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمُؤْمَنَةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِتَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ ...» مؤید مطلب است.	۲۴
۳۵	میان بعد فردی و اجتماعی توحید، چه رابطه‌ای وجود دارد؟ توضیح دهد. پاسخ: رابطه «مقابل» و «دو سویه»؛ هر قدر که مردم یک جامعه به سوی توحید حرکت کنند، ارکان جامعه نیز بیشتر رنگ توحیدی به خود می‌گیرد؛ همان‌طور که هر قدر نهادهای اجتماعی در خدمت اجرای قوانین الهی باشد، زمینه برای رشد انسان‌ها و حرکت به سوی خداوند و زندگی موحدانه، آسان‌تر می‌گردد.	۲۵
۳۵	چه زمانی تفرقه و تضاد جامعه را فرا می‌گیرد و امکان رشد و تعالی از بین می‌رود؟ پاسخ: زمانی که همه افراد، «خواسته‌ها و تمایلات ذیبوی خود را دنبال کنند» و «تنها منافع خود را محور فعالیت اجتماعی قرار دهند» و «اهل ایشان و تعاون و خیر رساندن به دیگران نباشند».	۲۶
۳۵	چه زمانی در یک جامعه توحیدی، دیگر سخنی از خداوند و فرمان‌های او نیست، بلکه سخن از حاکمیت طاغیوت و دستورهای اوست؟ پاسخ: با فرایگیر شدن تفرقه و تضاد در جامعه و از بین رفتان امکان رشد و تعالی از آن، در چنین جامعه‌ای، روزبه روز انسان‌های ستمگر بیشتر قدرت پیدا می‌کنند و دیگران را در خدمت امیال خود به کار می‌برند.	۲۷
۳۶	روح زندگی دینی و روح زندگی ضد دینی به ترتیب کدام‌اند؟ پاسخ: «توحید» - «شرگ».	۲۸
۳۶	منظور از «انسان عصر حاضر» چیست؟ پاسخ: منظور تمام افراد جامعه نیست، بلکه جو غالب جوامع و جو حاکم بر اکثریت افراد است، <u>نه</u> تک‌تک فراد.	۲۹

۳۶	دروست <input checked="" type="checkbox"/> نادرست <input type="checkbox"/>	انسان امروز بیشتر از بت پرستان قبلاً از اسلام که بیش از ۳۶۰ بت را می‌پرستیدند، به دنبال این قبیل بتپرستی هاست.	۳۰
۳۶	آیا انسان و جوامع پسری به سوی زندگی توحیدی حرکت می‌کنند؟ توضیح دهید. پاسخ: در ابتدا به نظر می‌رسد که امروزه کمتر کسی گرفتار شرک باشد و از این چهت نیز، پسر در مسیر پیشرفت می‌باشد اما یک واقعیت تلغی در اینجا وجود دارد و آن این است که، گرچه شرک در قالب بت و مانند آن در میان بیشتر جوامع وجود ندارد، اما انواع دیگری از شرک که بسیار بیجهیده‌تر از شرک قدیم است، در میان پسر به جسم می‌خورد که خوب است به آن‌ها توجه کنیم و برای دوری از آن‌ها تلاش نماییم.	۳۱	
۳۶	از انواع شرک در جهان امروز، اعتقاد بسیاری از انسان‌ها به مالکیت جهان است؛ آن را توضیح دهید. پاسخ: امروزه، بسیاری از انسان‌ها «جهان خلقت» را ملک خود تلقی می‌کنند و بدون توجه به نظر و رأی مالک حقیقی آن، یعنی خدا، هرگونه که باخواهند در این جهان تصرف می‌کنند. این افراد و جوامع، در واقع خود را «مالک»، «ولی» و «پرورش دهنده (رب)» جهان می‌پندارند.	۳۲	
۳۶	سه مورد از پیامدهای منفی افراد و جوامعی که خود را مالک، ولی و پرورش دهنده جهان می‌پندارند بنویسید. پاسخ: ۱) تخریب محیط زیست ۲) الوده شدن طبیعت ۳) پیدا شدن جوامع بسیار فقیر در کنار جوامع بسیار ثروتمند	۳۳	
۳۶	عبارت فرآئی: «أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَى» از زبان کدام طلفوت نقل شده است؟ توضیح دهید. پاسخ: برخی از انسان‌ها، مانند «فرعون»، خود را پرورده‌گار بزرگ مردم معرفی می‌کرد؛ خود را «مالک دیگر جوامع» می‌پندارند و برای آن‌ها «تصمیم‌گیری» می‌کنند.	۳۴	
۳۷	چرا بسیاری از انسان‌ها چنان به امور دنیوی سرگرم شده‌اند که خدا را فراموش کرده و خداوند در قلب آن‌ها جایگاهی ندارد؟ پاسخ: زیرا زرق و برق و زینت دنیا و لذات و شهوات چنان در لسان فزوئی یافته که جایی برای خلوت انس با خدا و در ک معنویت نیاشن با پرورده‌گار باقی نگذاشته است. گویی هوی و هوش و آن چه و آن کس که آنان را به هوش‌هایشان می‌رساند، بت و معبدشان شده و آن‌ها را همچون خدا می‌پرستند؛ و از ابزارهای جدید مانند سینما، تلویزیون، ماهواره، اینترنت و سایر رسانه‌ها در این راه بهره می‌گیرند و یکسره از خدا و آخرت غافل شده‌اند.	۳۵	
۳۷	به نظر شما وظیفه ما در مقابل وضع موجود [جامعه] جویست و چگونه می‌توانیم به اصلاح جمله امروزی اقدام کنیم؟ پاسخ: قدم اول در این راه، «شناخت وضع موجود و بت پرستی نوین» است. باید دانست که قرآن کریم، معیارهای ثابت توحید و شرک یا بت پرستی را به ما نشان داده و تطبیق زندگی «فردی» و «اجتماعی» خود با این معیارها را بر عهده خودمان نهاده است. اطاعت از ارباب‌هایی جز خداوند، بندگی کسانی جز او و خارج کردن دین از برنامه‌های زندگی و تقليد از کسانی که در جهت مخالف دین حرکت می‌کنند، شرک و بت پرستی است و ما باید در عین قبول خدا، دین و دستورات آن را در متن زندگی خود وارد کنیم و تمایلات دنیوی و نفسانی خود را «فرع» قرار دهیم.	۳۶	
۳۷	روش بتپرستی و شرک جدید، چیست؟ پاسخ: آن است که «بوخی» از انسان‌ها در عین قبول داشتن خداوند (اصل توحید)، دین و دستورات دینی را در متن زندگی خود وارد نمی‌کنند و بر عکس، تمایلات دنیوی و نفسانی خود را «اصل» قرار می‌دهند.	۳۷	

باسم‌ تعالیٰ

جزوه سوالات درس به درس دین و زندگی (۳)، پایه دوازدهم،

ردیف	دستور	درس چهارم: « فقط برای او »
۱	۴۲	عبارت قرآنی: « بگو همانا نماز و عبادت‌هایم و زندگی و مرگم فقط برای خداست که پروردگار جهانیان است. » به کدام موضوع اشاره دارد؟ پاسخ: « خالصانه کردن کارها برای خداوند »
۲	۴۳	هدف خلقت انسان، « است، این امر، جز با « » به دست نمی‌آید. پاسخ: « قرّب به خدا »—« سعی و تلاش خود انسان »
۳	۴۳	انسان، همواره بر سر کدام دوراهی در زندگی خود است؟ پنوسید. پاسخ: انسان همواره بر سر دوراهی؛ « زندگی خداوند » و « زندگی هوای نفس و شیطان » قرار دارد و زندگی، صحنه انتخاب یکی از این دو راه است.
۴	۴۳	آن کس که راه توحید را بر می‌گزیند و در پی آن اندیشه و دل و عمل خویش را برای رضای حضرت دوست(خدا) قرار می‌دهد، چه نتایجی برای او خواهد داشت؟ پاسخ: « خطراتی او را تهدید می‌کند » و « اختلال انتحراف از توحید برای او هست »
۵	۴۳	در روایت پیامبر اکرم(ص)، راهیابی « شرک » به « دل انسان » از چه چیزی پنهان تر تعییر شده است؟ توضیح دهید. پاسخ: « راهیابی شرک به دل انسان از راه رفتن مورچه‌ای سیاه در شب تاریک بر تخته سنتکی سیاه، پنهان تر است ». پس، باید بینیم چگونه از حریم اندیشه و دل پاسبانی کنیم تا آفت شرک به آن راه فیلده و « عمل ما خالص برای خداوند انجام شود ».
۶	۴۴	« خلاص » به چه معناست؟ پاسخ: به معنی « خالص کردن و پاک کردن یک چیز از غیر آن است ».
۷	۴۴	کلمه « اخلاص » در کاوید دینی به چه معناست؟ پاسخ: بدین معناست که: « شخص اندیشه و دل خود را جایگاه خدا کند و عملش را فقط برای رضای خداوند و همان‌گونه که او دستور داده است، انجام دهد ».
۸	۴۴	چه چیزی در اسلام، شرط قبولی تمامی اعمالی دانسته شده است که فرد به درگاه خداوند عرضه می‌دارد؟ پاسخ: « اخلاص »
۹	۴۴	اخلاق مانند دوست داشتن، سخاوت، شجاعت و هر عمل قلبی دیگر، در جات و مواتی دارد. درست <input checked="" type="checkbox"/> نادرست <input type="checkbox"/>
۱۰	۴۴	آیا اخلاص دارای درجات است؟ توضیح دهید. پاسخ: « بله »، همان‌گونه که در ارزش‌گذاری طلا، عیار یا درصد خلوص آن اهمیت دارد، اعمال انسان نیز هر چه با اخلاص بالاتری همراه باشد، ارزش بیشتری دارد. مهم این است که انسان تلاش کند تا اندیشه و عمل خود را روز به روز برای خداوند خالص تر گردداند.
۱۱	۴۴	طبق فرمایش پیامبر اکرم(ص)، مؤمنان با توجه به کدام ویژگی‌شان بر یکدیگر بروی پیدا می‌کنند؟ پاسخ: « با توجه به مراتب اخلاقشان ».
۱۲	۴۴	طبق فرمایش امام صادق(ع)، « عمل خالص » چگونه عملی است؟ پاسخ: « آن عملی است که دوست‌نداری کسی جز خداوند به خاطر آن کار، تو را ستایش و تمجید کند ».
۱۳	۴۴	اخلاق چند گونه است؟ آن‌ها را بنویسید. پاسخ: ۱- اخلاق در اندیشه ۲- اخلاق در قلب.

۴۴	<input checked="" type="checkbox"/> برای این که عمل برای خداوند خالص شود، لازم است نخست «اخلاص در قلب» تحقق یابد. درست <input type="checkbox"/> نادرست <input checked="" type="checkbox"/>	۱۴ اخلاص در اندیشه را توضیح دهید.
۴۴	پاسخ: برای این که عمل برای خداوند خالص شود، لازم است نخست «اخلاص در اندیشه» تحقق یابد. فردی که به خداوند اعتقاد دارد باید بکوشد فکر و اندیشه خود را در این زمینه تقویت کند به طوری که همه امور خود و عالم را به دست خدا ببیند و بداند که خداوند مدبر و اداره کننده همه امور جهان است وهیچ واسطه و سببی جز به اذن و اراده او عمل نمی‌کند. این معنا، همان مفهوم مراتب توحید، به خصوص «توحید در ربوبیت» است.	۱۵
۴۵	پاسخ: انسان باید تلاش کند آن‌چه را از توحید در اندیشه و عقل خود پذیرفته است، به یک اعتقاد قلبی و درونی تبدیل کند و با آن انس قلبی برقرار نماید تا در رفتار و گردارش مؤثر باشد. زیرا برای این که به یک سخن درست عمل کنیم، پذیرش عقلی آن کفايت نمی‌کند، بلکه آن سخن باید در قلب و دل نفوذ کند، یعنی قلب نیز تسليم آن شود.	۱۶
۴۵	پاسخ: انسان مؤمن می‌کوشد قلبش را خانه چه کسی قرار دهد؟ توضیح دهید. پاسخ: انسان مؤمن می‌کوشد، قلبش را خانه «خداوند مهربان» کند و تنها به او دل بینند و با آنان که خداوند سفارش کرده است، آنس قلبی داشته باشد. همچنین، او تلاش می‌کند نیت‌های درونی و قلبی خود را الهی کند.	۱۷
۴۵	پاسخ: زیرا تا نیت و قصد قلبی انسان از انجام یک عمل خدایی نشود، آن عمل، خدایی نمی‌گردد و خالصانه نمی‌شود. به همین دلیل، پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «بِئَةُ الْمُؤْمِنِ خَيْرٌ مِّنْ عَمَلِهِ؛ نِيَتُهُ مُؤْمِنٌ ازْ عَمَلِهِ اَبْرَقَرُ». چرا انسان مؤمن قلاش می‌کند، نیت‌های درونی و قلبی خود را «الهی» کند؟	۱۸
۴۵	پیامبر اکرم (ص) به خاطر جایگاه مهم و ارزشمند نیت و قصد قلبی چه می‌فرماید؟ الف) بِئَةُ الْمُؤْمِنِ خَيْرٌ مِّنْ عَمَلِهِ <input type="checkbox"/> ب) اَنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ <input checked="" type="checkbox"/> ج) فَاعِلُ الْخَيْرِ، خَيْرٌ مِّنْهُ <input type="checkbox"/> د) فَاعِلُ النَّيَّةِ، شَرٌّ مِّنْهُ <input type="checkbox"/>	۱۹
۴۶	پاسخ: انسان مؤمن، علاوه بر این که می‌کوشد نیت خود را خالص کند و عمل را به خاطر خدا [برای رضایت خدا] انجام دهد، تلاش می‌کند عمل را همان‌گونه که خداوند دستور داده است، انجام دهد. یعنی عمل را از جهت کیفیت، زمان، مکان و شیوه همان طوری انجام دهد که خداوند می‌خواهد. مثلاً اگر خداوند امر فرموده که نماز صبح در دو رکعت و با یک رکوع و دو سجده در هر رکعت و قبل از طلوع آفتاب انجام شود، انسان مؤمن نیز تلاش می‌کند نماز خود را به همین صورت انجام دهد تا صحیح و درست انجام داده باشد.	۲۰
۴۶	پاسخ: «دونا»؛ ۱) حُسْنٌ فاعلی ۲) حُسْنٌ فعلی. حُسْنٌ فاعلی: بدین معناست که انجام دهنده کار، دارای معرفت درست و نیت الهی باشد. حُسْنٌ فعلی: بدین معناست که [شخص]. کار را به درستی و به همان صورت که خدا فرمان داده است، انجام دهد.	۲۱
۴۶ تا ۴۹	پاسخ: ۱- افزایش معرفت نسبت به خداوند ۲- تقویت روحیه حق پذیری ۳- راز و نیاز با خداوند و کمک خواستن از او ۴- دوری از گناه و تلاش برای انجام واجبات	۲۲ راههای تقویت اخلاق را فقط نام ببرید.

۴۶	از راههای تقویت اخلاق، «افزایش معرفت نسبت به خداوند» را توضیح دهد. پاسخ: <u>پیوند محکمی</u> میان «معرفت به خداوند» و «ایمان به او» وجود دارد. همچنین ارتباط دقیقی میان «ایمان به خداوند» و «اخلاقی» برقرار است. بنابراین، هر قدر که معرفت ما به خداوند «بیشتر» شود، به افزایش درجه اخلاقی کمک خواهد کرد. پس، خوب است ساعتی را صرف تفکر در آیات و نشانههای الهی کنیم تا بیشتر درباریم که:	۲۳
۴۷	«افرینش همه تنیه خداوند دل است دل ندارد که ندارد به خداوند اقرار هر که فکرت نکند نقش بود بر دیوار این همه نقش عجب بر در و دیوار وجود	۲۴
۴۷	پیام بیت: «مهر و خسار تو می‌تلبد ز ذرات جهان هر دو عالم بُر زنور و دیده نایينا چه سود و ابا بنویسید پاسخ: اگر کسی گرفتار غفلت شد و چشم اندیشه را به روی جهان بسته، آیات الهی را نخواهد یافت و دل به مهر او نخواهد داد.	۲۴
۴۷	با ذکر مثالی توضیح دهد که: «چنانه عملی که بر اساس معرفت و آگاهی باشد، بسیار ارزشمندتر و مقدس‌تر از عملی است که در آن معرفتی نیست یا با معرفت اندکی صورت می‌گیرد؟» پاسخ: مثلاً نمازی که با معرفت انجام بگیرد، بسیار ارزشمندتر از نمازی است که به جا آورونده آن نمی‌داند چه می‌گوید. حتی گاه پیش می‌آید که انسان‌های نادان به تصور این که کار خیر می‌کنند، مرتکب گناهان بزرگ می‌شوند.	۲۵
۴۷	«جوابان جنگ صفين» و «نهضت بیداری اسلامی در گشورهای مسلمانان خاور میانه و شمال آفریقا»، به ترتیب با کدام یک از راههای تقویت اخلاقی ارتباط دارند؟ پاسخ: «افزایش معرفت نسبت به خداوند» – «افزایش معرفت نسبت به خداوند».	۲۶
۴۸	از راههای تقویت اخلاق، «تقویت روحیه حق پذیری» را توضیح دهد. پاسخ: کسی که روحیه حق پذیری دارد و در مقابل حق تسليم است، به آسانی وارد «مسیر بندگی» می‌شود. زیرا افراد حق پذیر، تابع دلیل هستند و وقتی «عقل» آنان حقیقتی را یافت، به دنبال آن می‌روند. اما کسانی که راه دریافت حق را بر خود بسته‌اند و به جای پیروی از عقل؛ از «هوی و هوس» پیروی می‌کنند، وقتی خیرخواهی اطرافیان و دوستان را می‌شنوند، دست به انکار می‌زنند و با گفتن: «دل نمی‌خواهد»، راه رسیدن به حقیقت را بر خود می‌بنندند.	۲۷
۴۸	امیر المؤمنین علی(ع)، به ترتیب از چه چیزهایی به عنوان «سپهسالار خدای رحمان» و «راہبر لشکر شیطان» تعییر فرموده‌اند؟ پاسخ: «عقل» – «هوی و هوس».	۲۸
۴۸	این فرمایش امیر المؤمنین علی(ع): «عقل، سپهسالار خدای رحمان است و هوی و هوس، راہبر لشکر شیطان. و انسان کشیده شونده میان آن دو. پس، هر یک چیزه شود، انسان در جایگاه او قرار خواهد گرفت.» به کدام‌یک از راههای تقویت اخلاقی اشاره دارد؟ پاسخ: «تقویت روحیه حق پذیری».	۲۹
۴۸	مطلوب ذیل حاوی چه پیامی است؟ آن را بنویسید. عقل → دل → هوی و هوس پاسخ: دو ندا دل را به سوی خود دعوت می‌کند: «ندایی از عقل» و «ندایی از هوی و هوس» و این ندای هوس‌های زودگذر است که آن‌ها بدان پاسخ می‌دهند!	۳۰
۴۸	از راههای تقویت اخلاق، «راز و نیاز با خداوند و کمک خواستن از اوست» آن را توضیح دهد. پاسخ: نیایش و غرض نیاز به پیشگاه خداوند و یاری جستن از او برای رسیدن به اخلاقی، «غفلت از خداوند را کم می‌کند»، «محبت را در قلب تقویت می‌سازد» و «انسان را بهره‌مند از کمک‌های الهی می‌نماید.»	۳۱

۴۹	<p>از راههای تقویت اخلاق، «دوری از گناه و تلاش برای انجام واجبات» را توضیح دهد.</p> <p>پاسخ: «گناه»، ریشه درخت اخلاق و بندگی را می سوزاند و آن را به تدریج از بین می برد. به همین جهت، امیرالمؤمنین علی(ع) می فرماید: «قعام اخلاق، در دوری از گناهان جمع شده است.» از طرف دیگر، «قری گناه»، «توچه به واجبات» و «اطاعت از خداوند»، درخت اخلاق را آبیاری می کند و رشد می دهد. در میان اعمال واجب، «روزه» تأثیر خاصی در تقویت اخلاق دارد. امیرالمؤمنین علی(ع) می فرماید: «خداوند بدان جهت روزه را واجب کرد قاتاً اخلاق مردم را بیازماید.»</p>	۳۲
۴۹ و ۵۰	<p>میوه‌های درخت اخلاق را فقط نام ببرید.</p> <p>پاسخ: ۱- دستیابی به درجاتی از حکمت ۲- نفوذ ناپذیری در برابر وسوسه‌های شیطان ۳- دریافت پاداش‌های وصف ناشدنی</p>	۳۳
۴۹	<p>از میوه‌های درخت اخلاق «دستیابی به درجاتی از حکمت» را توضیح دهد.</p> <p>پاسخ: «حکمت» به معنای علم محکم و استوار و به دور از خطاست که هدف درست و راه رسیدن به آن را نشان می دهد و مانع لغزش‌ها و تباہی‌ها می شود. «آنسان حکیم» به درجاتی از بصیرت و روشن‌بینی می‌رسد که می‌تواند در شرایط سخت و پیچیده، حق را از باطل تشخیص دهد و گرفتار باطل نشود. خداوند در قرآن کریم، علاوه بر آن که «قمان» را به داشتن «حکمت» توصیف کرده، سفارش‌های اندز و حکیمانه‌ای از ایشان نقل می کند.</p>	۳۴
۴۹	<p>طبق فرمایش پایه‌برابر (من): «هر کس ۴۰ روز کارهای خود را برای خدا خالصانه انجام دهد» چه نتیجه‌ای برای او خواهد داشت؟ پاسخ: «چشممه‌های حکمت و معرفت از دل و زبانش جلوی خواهد شد.»</p>	۳۵
۴۹	<p>از میوه‌های درخت اخلاق، «تفوذهنپذیری در برابر وسوسه‌های شیطان است» آن را توضیح دهد.</p> <p>پاسخ: اگر انسان در اخلاق پیش روید، به مرحله‌ای می‌رسد که دیگر فربت و سوسه‌های شیطان را نمی‌خورد و گرفتار دامهای او نمی‌شود؛ زیرا شیطان، خود اقرار کرده است که توانایی فربت مؤمنان با اخلاق را ندارد. بیت ذیل نیز مؤید همین مطلب است: «برو این دام بر مرغی دگرنه که عنقا و بلند است آشیانه»</p>	۳۶
۵۰	<p>چرا شیطان، امروزه نیز به صورت‌های گوتاگون برای انسان‌ها دام پین کرده است؟</p> <p>پاسخ: تا هوس زودگذر آن‌ها را تحریک و به گناه بکشاند و آنان را از بهشت جاویدان محروم سازد.</p>	۳۷
۵۰	<p>از جمله دام‌هایی که مقاومت در برابر آن‌ها نیازمند روی آوردن به پیشگاه خداوند و پذیرش خالصانه فرمان‌های اوست، سه مورد را بنویسید.</p> <p>پاسخ: (۱) فیلم‌ها، ویگاه‌ها و شبکه‌های ماهواره‌ای (۲) شبکه‌های مجازی ناسالم (۳) گروه‌ها و دسته‌های منحرف اجتماعی</p> <p><u>نکته:</u> کسی که در چنین دام‌هایی گرفتار شود، هم زندگی پاک و با نشاط دنیا را از دست خواهد داد و هم حیات سرشار از شادکامی آخرت.</p>	۳۸
۵۰	<p>از میوه‌های درخت اخلاق، «دربیافت پاداش‌های وصف ناشدنی» را شرح دهد.</p> <p>پاسخ: بندگی خالصانه خداوند، ثمراتی دارد که چه بسا در ذهن مانکنجد و از تصوّر و تغیّل ما فراتر رود. از جمله این پاداش‌های وصف ناشدنی، دیدار محیوب حقیقی و تقرّب به پیشگاه کسی است که بنا به تعبیر امیرالمؤمنین علی(ع)، «نهایت آرزوی عارفان، دوست دل‌های صادقان، ولیٰ مؤمنان و معبد عالمیان است.»</p>	۳۹

۴۰

اگر از مسئول شود: «رسول خدا(ص)، امام علی(ع)، حضرت زهرا(س) و دیگر پیشوایان دین چگونه این همه خوبی و زیبایی و آن مقام قرب و نزدیکی به محبوب را به دست آورده‌اند، کدام بیت واقعی مطلب خواهد بود؟

۵۰

- (۱) بندۀ شیطانی و داری امید
که ستایش همچو بیزدانست کنند!
- (۲) چون نداری درد، درمان هم مخواه
درد بیدا کن که درمانست کنند
- (۳) همچو سلمانی در مسلمانی بکوش
ای مسلمان تا که سلمانست کنند
- (۴) بندگی کن تا که سلطانست کنند
تن رها کن تا همه جانت کنند

باسم‌تعالی

جزوه سوالات درس به درس دین و زندگی (۳)، پایه دوازدهم،

ردیف	دستورات پیوسته	درس نهم: «قدرت بروز»	ردیف
۱	«عمل اختیاری» را با «عمل غیراختیاری» مقایسه نمایید. (با ذکر مثال)	پاسخ: میان حرکات قلب یک فرد برای گردش خون و حرکات پای وی هنگام قدم زدن، تفاوت اساسی وجود دارد. همچنان که تفاوت است میان حرکت دستی که بر اثر بیماری لرزش دارد با حرکت دستی که خود شخص برای غذا خوردن بالا و پایین می‌آورد. ضربان قلب و حرکت دستی که لرزش دارد، اختیاری نیست؛ ولی حرکات پا برای رفتن به سوی یک مقصد و حرکات دست در هنگام غذا خوردن، اختیاری و قابل اراده انسان است.	
۲	«اختیار» به چه معناست و چگونه «حقیقتی» است؟	پاسخ: به معنای «توانایی بر انجام یک کار یافرق آن است»—یک حقیقت «وجودانی» و «مشهود» است و هر انسانی آن را در خود می‌باید و می‌بیند که شبانه‌روز در حال تصمیم گرفتن برای انجام یک کار یا ترک آن است.	
۳	کسی که اختیار را در سخن یا بحث انکار می‌کند، در «عمل» از آن بهره می‌برد و آن را «انبات» می‌کند.	درست <input checked="" type="checkbox"/> نادرست <input type="checkbox"/>	
۴	آیا همه امور زندگی ملء «اختیاری» هستند؟ توضیح دهید.	پاسخ: «خیر»؛ بسیاری از امور اختیاری نیست، و ما در وقوع آن‌ها نقشی نداریم، به عنوان مثال، هیچ یک از ما در عملکرده دستگاه‌های مختلف بدین خود مانند دستگاه گوارش یا گردش خون، و همچنین در قوانین حاکم بر طبیعت مانند قانون جاذبه زمین، توالی فصل‌ها... نقشی نداریم و این امور خارج از اختیار ما و به صورت «طبیعی» انجام می‌شود. در عین حال، باید توجه داشت که همین اختیار محدودی که داریم، مبنای تصمیم‌گیری‌های ما و تعیین‌گننده عاقبت و سرنوشت ماست.	
۵	همه ما با وجود روش بودن اختیار و بی‌نبایزی آن از استدلال، شواهدی بر وجود آن را در خود می‌یابیم؛ سه مورد را نام ببرید.	پاسخ: ۱) تفکر و تصمیم ۲) احساس رضایت یا پشیمانی ۳) مسئولیت‌پذیری	
۶	از شواهد وجود اختیار در انسان، «تفکر و تصمیم» را توضیح دهید.	پاسخ: هر کدام از ما همواره تصمیم‌هایی می‌گیریم و برای این تصمیم‌ها ابتداء، «اندیشه می‌کنیم» و «جوانب آن را می‌سنجدیم» و سپس، «دست به عمل می‌زنیم». گاهی نیز دچار تردید می‌شویم که از میان چندین کار، کدام یک را انتخاب کنیم. دست آخر، پس از بررسی‌های لازم، یکی را برگزیده و عمل می‌کنیم.	
۷	بیت ذیل، به کدام یک از شواهد وجود اختیار در انسان دلالت دارد؟	این که فردا این کنم یا آن کنم خود دلیل اختیار است ای صنم	
	(۱) تفکر و تصمیم <input checked="" type="checkbox"/> (۲) احساس رضایت <input type="checkbox"/> (۳) احساس پشیمانی <input type="checkbox"/> (۴) مسئولیت‌پذیری <input type="checkbox"/>		
۸	از شواهد وجود اختیار در انسان، «احساس رضایت یا پشیمانی» را شرح دهید.	پاسخ: هر گاه در کاری موفق شویم، احساس رضایت و خرسنده وجودمان را فرا می‌گیرد. این احساس رضایت، نشانه آن است که آن کار را از خود و نتیجه اراده و تصمیم علاقانه خود می‌دانیم. گاه نیز در کاری مرتکب اشتباه می‌شویم و به خود یا	

	دیگری زیان و ضرر می‌رسانیم. در این هنگام احساس ندامت و پشیمانی می‌کنیم و با خود می‌گوییم: ای کاش آن کار را انجام نمی‌دادم. این احساس ندامت، شناکر آن است که «من توان ترک آن کار را داشتم».	۸
۵۶	ایات ذیل، به کدام یک از شواهد وجود اختیار انسان دلالت دارد؟ «گو نبودی اختیار این شرم چیست این دریغ و خجلت و آزم چیست؟ وان پشیمانی که خورده زان بدی ز اختیار خویش گشته مهندی پاسخ: «احساس رضایت یا پشیمانی».	۹
۵۶	از شواهد وجود اختیار در انسان، «مسئولیت‌پذیری» را شرح دهد. پاسخ: هر کدام از ما، خود را مسئول کارهای خویش می‌دانیم. به همین جهت، آثار و عواقب عمل خود را می‌پذیریم و اگر به کسی زیان و ضرر رسانده‌ایم، آن را جبران می‌کنیم. «عده‌ها و بیمان‌ها» نیز بر همین اساس استوارند. بنابراین، اگر کسی بیمان‌شکنی کند و مسئولیتش را انجام ندهد، خود را مستحق مجازات می‌داند.	۱۰
۵۶	ایات ذیل، به کدام یک از شواهد وجود اختیار انسان دلالت دارد؟ «هیچ گویی سنگ را فرد ایا ورنیابی من دهم بد را سزا؟ هیچ عاقل مر کلوخی را زند هیچ با سنگی عنابی کس کند؟ پاسخ: «مسئولیت‌پذیری».	۱۱
۵۶	اگر از ما سؤال شود: «خدای متعال، متناسب با کدام قوّه پسر، وی را راهنمایی کرده و او را آزاد گذاشته است که از هدایت حق تعالی استفاده کند و سپاسگزار او باشد یا ناسپاسی کند و از هدایت ولطفش بپره بزند؟» کدام گزینه، باری رسان ما در پاسخ گویی خواهد بود؟ ۱) قوّه تعقل و تفکر - إِنَّا هَدَيْنَاكُمُ الْسَّبِيلَ إِنَّمَا شَاكِرُوا وَإِنَّمَا كَفُورُوا <input type="checkbox"/> ۲) قوّه تعقل و تفکر - ذَلِكَ بِمَا قَدِيمَتْ أَيْدِيكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَامٍ لِلْعَبِيدِ <input type="checkbox"/> ۳) قوّه اختیار و تصریحه گیری - إِنَّا هَدَيْنَاكُمُ الْسَّبِيلَ إِنَّمَا شَاكِرُوا وَإِنَّمَا كَفُورُوا <input checked="" type="checkbox"/> ۴) قوّه اختیار و تصریحه گیری - ذَلِكَ بِمَا قَدِيمَتْ أَيْدِيكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَامٍ لِلْعَبِيدِ <input type="checkbox"/>	۱۲
۵۷	همه عبارت‌های قرآنی ذیل، به نشانی از وجود اختیار در انسان دلالت دارد؛ به جز عبارت... ۱) إِنَّا هَدَيْنَاكُمُ الْسَّبِيلَ إِنَّمَا شَاكِرُوا وَإِنَّمَا كَفُورُوا <input type="checkbox"/> ۲) ذَلِكَ بِمَا قَدِيمَتْ أَيْدِيكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَامٍ لِلْعَبِيدِ <input type="checkbox"/> ۳) قَدْ جَاءَكُمْ بِصَانُورٍ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهِ <input type="checkbox"/> ۴) إِنَّ اللَّهَ يَنْسِكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَرُوْلَا وَلَئِنْ زَالَتَا إِنْ أَفْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مَنْ بَعْدِهِ <input checked="" type="checkbox"/>	۱۳
۵۷	خداآوند، کدام قدرت را به ما عطا کرده و از ما خواسته با استفاده از آن برای زندگی خود برقمه ریزی کنیم و به قله‌های کمال پرسیم؟ پاسخ: «قدرت اختیار و اراده» - ما تا آن جا می‌توانیم بیش برویم که جز خداوند، [کسی] عظمت آن را نمی‌داند.	۱۴
۵۷	ما در چگونه جهانی زندگی می‌کنیم؟ پاسخ: ما در دنیای «خیالی» زندگی نمی‌کنیم، بلکه در جهانی زندگی می‌کنیم که خداوند، امور آن را «قدیمی» می‌کند و قوانین مشخصی را بر آن حاکم کرده و جهان هستی مطابق با آن قوانین، عمل می‌کند و به پیش می‌رود.	۱۵

		آیا مشیت خداوند و قوانین حاکم بوده است، مانع اختیار انسان است یا بر عکس، زمینه‌ساز شکوفایی اختیار و بسترهای برای بهره‌مندی از آن؟ توضیح دهد.	۱۶
۵۸		پاسخ به این سوال در دو بخش داده می‌شود: (۱) این بینش و نگرش که خالق جهان، خدایی حکیم است به انسان اطمینان خاطر می‌دهد که می‌تواند در این جهان از قدرت اختیار خود بهره ببرد و برای ساختن امروز و فردای خود و جامعه تلاش کند و ثمرات تلاش خود را مشاهده نماید. (۲) در نتیجه اعتقاد فوق، انسان خداشناس می‌داند که فقط با زندگی در یک جهان قانونمند که پشتوانه آن علم و قدرت خداست، وی امکان حرکت و فعالیت دارد.	
۵۸		اعتقاد به خدایی حکیم که با حکمت خود، جهان را خلق کرده و اداره می‌کند، چه نتیجه‌ای دارد؟ پاسخ: این اطمینان را به انسان می‌دهد که «همه واقعی و رخدادهای جهان، تحت یک برنامه سامان‌دهی شده و غایتمند انجام می‌گیرد و نه اتفاقی و بی‌هدف.» کسی که معتقد به حاکمیت چنین خدایی است، هر چند خودش از شناخت علت بسیاری از حوادث و رخدادهای جهان عاجز است، اما مطمئن است که هر حادثه‌ای هدف معین و مشخصی دارد و از سر تصادف، غفلت یا ندانم کاری رُخ نمی‌دهد.	۱۷
۵۸		اعتقاد به خدای حکیم، این اطمینان را به آدمی می‌دهد که جهان خلقت «حافظ و نگهبانی دارد که در کار او اشتباه نیست.» به عبارت دیگر، «کشتی جهان، ناخدا می‌دارد که به موجب علم و قدرت ناخدا، هیچ‌گاه غرق و نابود نخواهد شد.» کدام آیه و ای مطلب خواهد بود؟ و کدام بیت شعر با این موضوع مرتبط است؟ پاسخ: «إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَلَئِنْ زَلَّتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مَّنْ يَغْدِهِ...» «قطرهای کز جویباری می‌رود از پی انجام کاری می‌رود»	۱۸
۵۸		در نتیجه اعتقاد به چه چیزی، انسان خداشناس می‌داند که فقط با زندگی در یک جهان قانونمند که پشتوانه آن «علم و قدرت خداست» وی امکان حرکت و فعالیت دارد؟ پاسخ: اعتقاد به خدایی حکیم که با حکمت خود جهان را خلق کرده و اداره می‌کند. - زیرا با زندگی در چنین جهانی است که او می‌تواند قوانین حاکم بر جهان هستی و خلقت را بشناسد و برای رفع نیازهای خود، از آنها استفاده کند و به هدفهای خود برسد. به عبارت دیگر، او در جهانی زندگی می‌کند که قدر و قدرای الهی بر آن حاکم است.	۱۹
۵۹		هر کدام از اصطلاحات زیر به چه معنا هستند؟ بنویسید. (قدر - قدر - تقدیر - قضا) پاسخ: قدر و قدر: به معنای «اندازه». تقدیر: به معنای «اندازه گرفتن». قضا به معنای: «به انجام رساندن - پایان دادن - حکم کردن - حتمیت بخشیدن».	۲۰
۵۹		دو کدام گزینه، معنای «قضا» به درستی <u>یافته شده</u> است؟ (۱) به انجام رساندن <input type="checkbox"/> (۲) اندازه گرفتن <input checked="" type="checkbox"/> (۳) حکم کردن <input type="checkbox"/> (۴) پایان دادن <input type="checkbox"/>	۲۱
۵۹		مخلوقات جهان، از آن جهت که خدای متعال با «علم خود»، «اندازه» حدود ویژگی، موقعیت مکانی و زمانی آن‌ها را تعیین می‌کند، مقدار به قضای الهی هستند یا تقدیر الهی؟ پاسخ: مقدار به تقدیر الهی هستند.	۲۲
۵۹		مخلوقات جهان، از چه جهت به «قضايا الهی» وابسته‌اند؟ پاسخ: از آن جهت که «با فرمان و حکم و اراده الهی ایجاد می‌شوند.»	۲۳

۵۹	<p>وقتی می‌گوییم: «قدر و قضای الهی بر جهان حاکم است» به چه معناست؟</p> <p>پاسخ: به این معناست که «نقشه جهان با همه موجودات و ریزه‌کاری‌ها و ویژگی‌ها و قانون‌هایش از آن خداوند و از علم اوست و اجرا و بیاده کردن آن نیز به اراده خداست. به همین دلیل، <u>نه در نقشه جهان تقصی هست و نه در اجرا و بیاده کردن آن</u>.»</p>	۲۴
۶۰	<p>آبی که برای رفع تشنجی می‌نوشیم، به سبب اعتماد به «قدر و قضای الهی» است؟ یعنی چه؟</p> <p>پاسخ: یعنی می‌دانیم که خداوند آب را با این ویژگی‌ها و اندازه‌ها آفریده، که سبب رفع تشنجی می‌شود.</p>	۲۵
۶۰	<p>همه ایات زیر درباره قدر و قضای الهی هستند، به جز بیت:</p> <p>(۱) رودها از خود، نه طغیان می‌کنند (۲) ما، به دریا حکم طوفان می‌دهیم (۳) هیچ گویی سنگ را فردا بیا (۴) قطره‌ای کز جوبیاری می‌رود</p>	۲۶
۶۰	<p>خداآوند، درباره «قدر و قضای الهی» و این «قانونمندی تحفظنایذیر و استوار» کدام آیه قرآنی ذیل را مثال می‌زنند؟</p> <p>(۱) لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تَذْرِكَ الْقَمَرُ وَلَا اللَّيلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَلَكُ فِي الْأَنْعَامِ يَسْتَبِحُونَ (۲) إِنَّا هَذِينَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرٌ وَإِمَّا كَافُورٌ (۳) ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْتَ أَيْدِيكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَالِمٍ لِلْعَبْدِ (۴) قَدْ جَاءَكُمْ بِصَانِيرٍ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا</p>	۲۷
۶۰	<p>برخی چنین پنداشته‌اند که: «قدر و قضای الهی با اختیار انسان، ناسازگار است» و تصور می‌کنند: «تقدیر، چیزی ورای قانون مندی جهان و نظم در آن است که وقتی به حادثه‌ای تعلق گرفته هر قانونی را لغو و هر نظمی را به هم می‌زنند!» چگونه می‌توانید، این بندار و تصور آن‌ها را اصلاح نمایید؟</p> <p>پاسخ: به آن‌ها خواهیم گفت که: «معنای قدر و قضای الهی این است که هر چیزی مهندسی و قاعدة خاص خود را دارد که این قواعد، توسط انسان، قابل یافتن و بهره‌گیری است. بدون بدیش قدر و قضای الهی، هیچ نظمی برقرار نمی‌شود و هیچ زمینه‌ای برای کار اختیاری بدیده نمی‌آید.»</p>	۲۸
۶۰	<p>جمله امیر المؤمنین حضرت علی(ع) که فرمود: «از قضای الهی به قدر الهی پناه می‌برم» و تحلیل نمایید.</p> <p>پاسخ: یعنی از نوعی قدر و قضای الهی، به نوع دیگر قدر و قضای الهی پناه می‌برم. برداشت نابجای یکی از یاران امام(ع)، در قضیه جابه‌جایی ایشان از دیوار کج و سست و پناه بردن به جای دیگر، این بود که ما هیچ اختیاری در تعیین سروش خود نداریم و اگر قرار باشد دیوار بر سرمان خراب شود، این اتفاق خواهد افتاد و ما نمی‌توانیم تغییری در آن ایجاد کیم؛ بنابراین، حرکت و تغییر مکان و تصمیم‌گیری ما براساس دستور عقل، بی‌فایده است. اما امیر المؤمنین علی(ع)، با «رفتار» و سپس «گفتار» خود، تکرش صحیح از قدر و قضای انسان داد و به آن شخص و دیگران آموخت که اعتقاد به قدر و قضای الهی، نه تنها مانع تحرک و عمل انسان نیست، بلکه «عامل و زمینه‌ساز» آن است.</p>	۲۹
۶۱	<p>آیا اعتقاد به قدر و قضای الهی، مانع تحرک و عمل انسان [در زندگی] می‌شود؟ توضیح دهید.</p> <p>پاسخ: «خیر»- بلکه عامل و زمینه‌ساز آن است. در واقع، فرو ریختن دیوار کج، یک قضای الهی است اما این قضا متناسب با ویژگی و تقدیر خاص آن دیوار، یعنی کجی آن است. اما اگر دیوار، ویژگی دیگری داشته باشد، مثلاً محکم باشد، قضای دیگری را به دنبال خواهد آورد و انسانی که این دو تقدیر و این دو قضا را بشناسد تصمیم می‌گیرد و دست به انتخاب «مناسبتر» می‌زند.</p>	۳۰

۶۱	وقتی از تقدیر جهان به وسیله خداوند سخن می‌گوییم، منظور مان چیست؟ پاسخ: منظور مان فقط تعیین طول، عرض، حجم، مکان و زمان یک موجود نیست. اینها ساده‌ترین و آشکارترین تقدیرهاست. «تقدیر الهی» شامل همه ویژگی‌ها، کیفیت‌ها و کلیه روابط میان موجودات می‌شود.	۳۱
۶۱	چند مثال برای «تقدیر الهی» بنویسید. پاسخ:	۳۲
۶۱	<p>آب در چه درجه‌ای به جوش می‌آید؟</p> <p>تعداد الکترون‌های هر عنصر چه تعداد باشد؟</p> <p>ماه در کدام دور زمین گردش کند؟</p> <p>بدن انسان، از چه اعضایی تشکیل شود؟</p> <p>هر عضوی از بدن انسان، کدام کار را انجام دهد؟</p>	۳۲
۶۱	اختیار و اراده انسان، «تقدیر الهی» است یا «قضای الهی»؟ توضیح دهید. پاسخ: یکی از تقدیرات الهی برای انسان این است که او، دارای «اختیار» باشد؛ یعنی همان‌طور که مثلاً به آب، ویژگی مایع بودن را داده است، به انسان نیز ویژگی «مخالف بودن» را عطا کرده است. به تعبیر دیگر، خداوند این گونه تعیین کرده که انسان کارهایش را «با اختیار انجام مدهد» و کسی نمی‌تواند از اختیار، که ویژگی ذاتی اوست، فرار کند؛ حتی اگر بخواهد فرار کند، باز هم این یک کار اختیاری بوده، چون همین کار را با خواست و اراده خود انجام داده است.	۳۳
۶۲	علت‌هایی که در پیدایش یک پدیده دخالت دارند، بر چند دسته‌اند؟ آن‌ها را بنویسید. پاسخ: «دو دسته» - علل عمومی و علل طولی.	۳۴
۶۲	از علت‌هایی که در پیدایش یک پدیده دخالت دارد، «علل عرضی» و «با ذکر مثال توضیح دهید». پاسخ: در پیدایش هر پدیده ممکن است، چند عامل به صورت مجموعه و با همکاری یکدیگر مشارکت کنند. مثلاً برای رویش یک گل، مجموعه‌ای از باغبان، خاک، آب، نور و حرارت دست به دست هم می‌دهند و با مشارکت یکدیگر گل را پدید می‌آورند. یا مثلاً وقتی دو نفر دسته‌های گل‌دان بزرگ را می‌گیرند و جایه‌جا می‌کنند، هر کدام از این دو نفر، نیروی خاصی را وارد می‌کند که باعث جایه‌جا گل‌دان می‌شود. در هر دو مثال، هر یک از عوامل و عناصر اثر خاصی را، «مستقل از دیگری»، اعمال می‌کند تا گل بروید یا گل‌دان جایه‌جا شود. این گونه علل را «علل عرضی» می‌گویند.	۳۵
۶۲	در کدام دسته علل، هر عامل به طور مستقیم نقش خاصی را بر عهده دارد که با نقش دیگری «متفاوت» است؟ ب: «علل عرضی».	۳۶
۶۲	«علل طولی» از علت‌هایی است که در پیدایش یک پدیده دخالت دارد، آن را با ذکر مثال شرح دهید. پاسخ: گاهی تأثیر چند عامل در پیدایش یک پدیده این گونه است که یک عامل در عامل دوم اثر می‌کذارد و عامل دوم در عامل سوم تأثیر می‌کند تا اثر عامل اول را به معلول منتقل کند. برای مثال، وقتی شما قلم به دست می‌گیرید و نامه می‌نویسید، چند عامل، در «طول» هم، در انجام این کار دخالت دارند: اول، قلم که با حرکت خود روی صفحه، جملات را می‌نگارد؛ دوم، دست شما که قلم را به حرکت در می‌آورد؛ سوم، ساختار عصبی بدن شما که موجب حرکت دستان می‌شود؛ چهارم، اراده شما که هدفم بر سه علت قبلی است؛ پنجم، نفس یا روح شما که اراده از او پدید می‌آید.	۳۷

۶۲	در مثال نوشتن با قلم، کار نوشتن را به کدام پدیده می‌توان نسبت داد؟ بنویسید.	۳۸
	<p>پاسخ: کل کار نوشتن را به هر یک از این عوامل؛ (قلم، ساختار عصبی بدن، اراده فرد، نفس با روح) می‌توان نسبت داد؛ بدین معنا که اگر هر یک از این عوامل <u>نیوود</u>، عمل نوشتن ممکن <u>نمی‌شود</u>، اما هر علتی، به ترتیب، علت بودن خود را از عامل بالاتر می‌گیرد. قلم می‌نویسد، اما حرکت آن ناشی از حرکت دست است. حرکت دست به نوبه خود، مخصوص کار دستگاه عصبی است. این کار هم ناشی از اراده و اراده از نفس شمام است. این علت‌ها را «علل طولی» می‌گویند.</p>	
۶۲	تفاوت علل در مثال «پرورش گل» با مثال «نوشتن با قلم» در چیست؟	۳۹
	<p>پاسخ: در مثال پرورش گل، علت‌ها در «عرض» هم قرار داشتند (در یک ردیف بودند) اما در مثال نوشتن با قلم، علت‌ها در «طول» هم هستند (در یک ردیف نیستند، بلکه نسبت به هم در موقعه‌های مختلف قرار دارند).</p>	
۶۳	اختیار انسان در «طول» اراده خداوند است یا در «عرض آن»؟ توضیح دهید.	۴۰
	<p>پاسخ: وجود اختیار و اراده در انسان، ناشی از اراده الهی و خواست خدااست. به عبارت دیگر، خداوند اراده کرده است که انسان موجودی مختار و دارای اراده باشد. در فعل اختیاری، تازمانی که ما به انجام دادن فعلی اراده <u>نکرده‌ایم</u>، آن فعل انجام <u>نمی‌گیرد</u>، در عین حال، وجود ما، اراده ما و عملی که از ماسه می‌زند، همگی وابسته به اراده خداوند است. یعنی، اراده انسان در «طول» اراده خدااست و با آن منافات ندارد.</p>	

باسم‌ تعالیٰ

جزوه سؤالات درس به درس دین و زندگی (۳)، پایه دوازدهم،

ردیف	صفحة	درس نهم: سنت‌های خداوند در زندگی	ردیف
۱	۶۸	قانون‌مندی حاکم بر جهان خلقت، تعجبی تقدیر الهی و زمینه‌ساز حرکت و پویایی انسان و به کارگیری اراده و اختیار اوست.	درست <input checked="" type="checkbox"/> نادرست <input type="checkbox"/>
۲	۶۸	چرا لازم است، با برخی از قوانین و سنت‌های الهی آشنا شویم؟ پاسخ: تا بتوانیم با توجه به آن‌ها، بهتر و نامه‌ریزی کنیم و راه موقوفیت را هموار تو سازیم.	
۳	۷۱	قرآن‌کریم، از کدام قوانین با عنوان «سنت‌های الهی» یاد گرده و مردم را به شناخت آن‌ها به خصوص، سنت‌های مربوط به زندگی انسان دعوت نموده است؟ پاسخ: بر اساس تقدیر الهی، دانستیم که جهان خلقت قانون‌مند است و پدیده‌های آن در دایرهٔ قوانین خاصی مسیر تکاملی خود را می‌بینند. این قانون‌مندی، اختصاص به پدیده‌های طبیعی ندارد و زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها را نیز در بر می‌گیرد. قرآن‌کریم، از این قوانین با عنوان «سنت‌های الهی» یاد کرده است.	
۴	۷۱	شناخت قوانین جهان خلقت از طریق علوم تجربی و با شناخت قوانین حاکم بر زندگی انسان‌ها، مقایسه نمایید. پاسخ:	
		شناخت قوانین جهان از طریق علوم تجربی مانند فیزیک، شیمی و استنباطی سبب آشنایی ما با نشانه‌های الهی و نیز بهره گرفتن از طبیعت می‌شود.	
	۷۱	موجب نکوش صحیح مانع است به تلغی‌ها و شیرینی‌ها، شکست‌ها و موقوفیت‌ها، بیماری و سلامت به طور کلی همه حوادث زندگی می‌شود و دیدگاه مارا نسبت به وقایع و حوادث جهان از دیگران ممتاز می‌سازد و بالاخره، این شناخت در روابط‌مان با خدا، خود، خلقت و دیگران تأثیر پسزایی دارد.	
۵	۷۲ تا ۷۸	چند مورد از سنت‌های الهی را فقط نام ببرید. (۴۰ مورد) پاسخ: (۱) ابتلاء = امتحان = آزمایش = فتنه (۲) امداد عام الهی (۳) امداد خاص الهی (توفیق الهی) (۴) سبقت رحمت بر غضب (۵) املاه و استدرج (۶) تأثیر اعمال انسان در زندگی خویش	
۶	۷۲	«ابتلاء» در لغت به چه معناست و در اینجا به چه معناست؟ پاسخ: در لغت به معنای، «امتحان» است. و در اینجا به معنای، «قرار دادن فرد در تنگنا یا موقیتی است که صفات درونی خود را بروز دهد یا نادرستی آن چه را ادعا کرده، مشخص سازد.»	
۷	۷۲	کدام سنت الهی، عام‌ترین و فراگیرترین قانون خداوند است که «ثبت و همیشگی» است و شامل همه انسان‌ها در همه دوران‌ها می‌شود؟ پاسخ: سنت ابتلاء = امتحان = فتنه = آزمایش.	

۷۲	<p>میان «امتحان الهی» و «امتحان بشری» چه تفاوقي وجود دارد؟ بنويسید.</p> <p>پاسخ: در «امتحان بشری»، ما غالباً از حقیقت درون افراد بی خبر هستیم و می کوشیم تا از طریق امتحان کردن آنها، به آگاهی لازم برسیم؛ ولی «امتحان خداوند علیم» برای آگاه شدن از درون افراد نیست، بلکه برای رشد دادن و به ظهور رساندن استعدادها و نشان دادن توانیات درونی افراد است.</p>	۸
۷۲	<p>«سنت ابتلاء» را توضیح دهید.</p> <p>پاسخ: عامترین و فراگیرترین قانون خداوند است که «ثابت و همیشگی» است و شامل همه انسان‌ها در همه دوران‌ها می‌شود. به عبارت دیگر، زندگی هر انسانی، چه مؤمن و چه کافر، چه فقیر و چه غنی، چه سیاه و چه سفید، صحنه امتحان‌ها و آزمایش‌های است. هیئت و شخصیت انسان‌ها با این «ابتلات‌ها»، ساخته می‌شود و شناخته می‌گردد. از این رو، کوچکترین حادثه‌ای که پیرامون مارخ می‌دهد، امتحانی برای ماست تا روشن که ما نسبت به آن حادثه چه تصریحی می‌گیریم و چگونه عمل می‌کنیم.</p>	۹
۷۲	<p>«رشد و کمال» و «عقب ماندگی و خسران» مهه به قریب نتیجه و معلول چیست؟</p> <p>پاسخ: عمل ذرست-عمل غلط [نادرست]</p>	۱۰
۷۲	<p>موقیت در هر مرحله‌ای از امتحان یا ابتلاء الهی، سبب چه نتایجی می‌شود؟ با ذکر مثال مطلب را توضیح دهید.</p> <p>پاسخ: سبب ورود فرد به مرحله‌ای برتر می‌شود و اورا امتحان‌های جدیتر روبرو می‌گردد؛ مانند دانش‌آموزی که با موفقیت در هر امتحانی، وارد مرحله‌ای بالاتر از امتحانات می‌گردد تا به موفقیت نهایی برسد.</p>	۱۱
۷۲	<p>عيارت درست یا نادرست را مشخص نمایید:</p> <p>الف) اگر انسان، «ایمان به خداوند» و «بندگی او» را اعلام کند، بنابراین ابتلاء، وارد امتحان‌ها و آزمایش‌های خاص آن می‌شود.</p> <p>درست <input checked="" type="checkbox"/> نادرست <input type="checkbox"/></p> <p>ب) به میزانی که انسان در آزمون‌های اولیه سریاند بیرون آید، قدم در آزمون‌های بعد می‌گذارد و برای کسب کمالات برتر آماده می‌شود.</p> <p>درست <input checked="" type="checkbox"/> نادرست <input type="checkbox"/></p>	۱۲
۷۲	<p>حدیث امام صادق(ع) که درباره رابطه «مراقب ایمان» و «مراقب امتحان» است: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُ بِمَنْزِلَةِ كَفَّةِ السِّيزَانِ كُلَّمَا زِيدَ فِي إِيمَانِهِ زِيدَ فِي بَلَائِهِ» به کدام سنت الهی اشاره دارد و با کدام آیه شریفه زیر «ارتباط معنایی» دارد؟</p> <p>(۱) ابتلاء-أخسیب الناسَ أَن يُشْرِكُوا أَن يَقُولُوا أَمَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ <input type="checkbox"/></p> <p>(۲) امداد عام الهی-أخسیب الناسَ أَن يُشْرِكُوا أَن يَقُولُوا أَمَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ <input type="checkbox"/></p> <p>(۳) امداد خاص الهی-والذِّينَ جَاهَدُوا لِنَهْدِيَنَّهُمْ سَبَّلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ <input type="checkbox"/></p> <p>(۴) املاء-والذِّينَ جَاهَدُوا فِيَنَا لِنَهْدِيَنَّهُمْ سَبَّلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ <input type="checkbox"/></p>	۱۳
۷۲	<p>طبق فرمایش امام صادق(ع) در حدیث بالا، سنت‌گیر شدن بلاء و امتحان انسان مؤمن معلول و نتیجه چیست؟</p> <p>پاسخ: معلول و نتیجه افزوده شدن ایمان وی می‌باشد.</p>	۱۴
۷۳	<p>خداؤند با چه چیزی ما را امتحان می‌کند؟ با ذکر مثال، مطلب را توضیح دهید.</p> <p>پاسخ: «او با هر امر خیر و شری ما را می‌آزماید [امتحان می‌کند]»؛ بیماری یا سلامت، فقر یا ثروت، از دست دادن پدر و مادر یا داشتن پدر و مادر، بارش باران یا وقوع خشک سالی و به طور کلی، هر حادثه شیرین یا تلخ، مواد امتحانی ما به حساب می‌أیند و نحوه مواجهه ما با آنها، پیروزی یا شکست ما را رقم می‌زنند و مهیای امتحانی دیگر می‌سازد.</p>	۱۵

۷۳	<p>اگر از ما پرسند: «خداآنده با چه چیزی ما را امتحان می کنند؟» کدام گزینه، واقعی مطلب در این زمینه خواهد بود؟</p> <p>(۱) با امر خیر و شر - کُلُّ نَفْسٍ ذَاقَةً الْمَوْتِ وَبَلُوْكُمْ بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً وَإِلَيْنَا تُرْجَعُونَ <input checked="" type="checkbox"/></p> <p>(۲) با تقدیر و قضای الهی - کُلُّ نَفْسٍ ذَاقَةً الْمَوْتِ وَبَلُوْكُمْ بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً وَإِلَيْنَا تُرْجَعُونَ <input type="checkbox"/></p> <p>(۳) با امر خیر و شر - كُلًا نُمِدُّ هُوَلَاءِ وَهُوَلَاءِ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَمَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا <input type="checkbox"/></p> <p>(۴) با تقدیر و قضای الهی - كُلًا نُمِدُّ هُوَلَاءِ وَهُوَلَاءِ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَمَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا <input type="checkbox"/></p>	۱۶
۷۴	<p>وقتی انبیاء مردم را به دین الهی فراموشاند، مردم در برآبر این دعوت، چند دسته می شوند؟</p> <p>پاسخ: «دو دسته»؛ دسته‌ای به ندای حقیقت پاسخ «ثبت» می‌دهند و هدایت الهی را می‌بینند و دسته‌ای دیگر، لجاجت ورزیده و در مقابل حق می‌ایستند. خداوند، سنت و قانون خود را بر این قرار داده که هر کس، هر کدام از این دو راه را برگزیند، بتواند از همین امکاناتی که خدا در اختیارش قرار داده استفاده کند تا در همان مسیری که انتخاب کرده، به پیش روز و باطن خود را آشکار کند.</p>	۱۷
۷۴	<p>آیا روی آوردن دنیا و لذت‌های دنیوی به برخی انسان‌های گناهکار نشانه لطف خداوند به آنان است؟</p> <p>پاسخ: «خیر»- زیرا در اقع خداوند، امکانات و لوازم رسیدن به خواسته‌ها و هدف‌های هر دو گروه را یکسان فراهم کرده است، حال کسی که راه حق را بر می‌گزیند لوازم و امکانات رسیدن به حق را می‌باید و مراتب «کمال» را می‌بیناید و کسی که فقط دنیا را انتخاب کرده و برای آن تلاش می‌کند، همان را به دست می‌آورد. البته این عواقب زیان بار تصمیم غلط خود را در آخرت مشاهده خواهند کرد.</p>	۱۸
۷۴	<p>قرآن کریم درباره چه کسانی می‌فرماید: «اینان در آخرت، جز آتش دوزخ ندارند و هر چه در دنیا کرده‌اند برو باد و فته و آن چه را که انجام می‌دهند، باطل است.» و با کدام سنت الهی مرتبط است؟</p> <p>پاسخ: «کسانی که دنیا و تجملات آن را بخواهند» - «سنت امداد عام الهی»</p>	۱۹
۷۵	<p>« توفیق الهی » و « تعریف نمایید ». پاسخ: امداد خاص خدای متعال نسبت به آنان که با نیت پاک، قدم در راه حق گذارند و سعادت جهان آخرت و رضایت پروردگار را هدف خود قرار دهند، « توفیق الهی » نام دارد.</p>	۲۰
۷۵	<p>امداد خاص خدای متعال نسبت به آنان که با نیت پاک، قدم در راه حق گذارند و سعادت جهان آخرت و رضایت پروردگار را هدف خود قرار دهند، چه نام دارد و کدام آیه، می‌بین آن است؟</p> <p>(۱) املاء الهی - وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَتْهُمْ سَبُّلُنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ <input type="checkbox"/></p> <p>(۲) توفیق الهی - كُلًا نُمِدُّ هُوَلَاءِ وَهُوَلَاءِ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَمَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا <input type="checkbox"/></p> <p>(۳) املاء الهی - كُلًا نُمِدُّ هُوَلَاءِ وَهُوَلَاءِ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَمَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا <input type="checkbox"/></p> <p>(۴) توفیق الهی - وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَتْهُمْ سَبُّلُنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ <input checked="" type="checkbox"/></p>	۲۱
۷۵	<p>در فرهنگ قرآن کریم، « توفیق » به معنای « آسان نمودن » است؟ یعنی چه؟ پاسخ: یعنی همراه با سعی و تلاشی که انسان از خود نشان می‌دهد، خداوند نیز شرایط و اسباب را چنان فراهم می‌سازد که وی بتواند « آسان نر » به مقصد برسد.</p>	۲۲
۷۵	<p>دو مورد از جلوه‌های امداد خاص الهی [توفیق الهی] وابنویسید</p> <p>پاسخ: یکی از جلوه‌های آن، نصرت و هدایت الهی به دنبال تلاش و مجاهدت است. خداوند، انسان تلاشگر و مجاهد را حمایت می‌کند، دست او را می‌گیرد و با پشتیبانی خود به پیش می‌برد. از جلوه‌های دیگر توفیق الهی، ایجاد زمینه مناسب برای رشد و تعالی شخص مؤمن می‌باشد.</p>	۲۳

۷۵	ایجاد زمینه مناسب برای رشد و تعالی شخص مؤمن مانند یافتن دوست خوب، شرکت در جلسه قرآنی و خواندن یک کتاب تغییر گذار و هدایتگر و پیدا کردن راه توبه و استغفار، از جلوه‌های کدام سنت الهی است؟ پاسخ: « توفیق الهی ».	۲۴
۷۵	آبا « عمل درونی » هم، در گسب توفیق الهی نقش تعیین گننده دارد؟ مثالی بنویسید. پاسخ: « بسلی » - برای مثال، دو نفر با هم آیاتی از قرآن را از رسول اکرم (ص) می‌شنیدند، اما این آیات، ایمان یکی را تقویت می‌کرد، ولی بر لجاجت و کفر دیگری می‌افزود. و مثال دیگر، دو نفر با هم از کنار مسجدی می‌گذرند و صدای اذان را می‌شنوند، یکی به مسجد می‌روند تا نماز اول وقت را بخواند و دیگری بدون توجه، از کنار آن مسجد می‌گذرد.	۲۵
۷۵	از سنت‌های الهی، « سبقت و حمت بر غضب » را توضیح دهید. پاسخ: از آن جا که خداوند به بندگان خود محبت دارد، با همه آنان، چه نیکوکار و چه گناهکار، به لطف و مهربانی رفتار می‌کند. او به بندگان خود اعلام می‌کند که: « پرورده‌گار شما، رحمت را بر خود واجب کرده است ». یعنی، حتی آن جا که خداوند بر کسی غصب می‌کند، باز هم از دریچه « لطف و رحمت » است؛ مانند مادری که بر فرزندش سخت می‌گیرد و یا در مواردی او را تنبیه می‌کند تا او را از اشتباه باز دارد و به هیچ وجه قصد انتقام‌گیری از فرزند خود را ندارد. از همین جهت است که راه بازگشت فرد گناهکار به سوی خداوند، همیشه باز است.	۲۶
۷۵	نمونه‌هایی از سبقت و حمت خدا بر غضبیش را بنویسید. پاسخ: (۱) آمرزش گناهان با توبه (۲) آمرزش برخی گناهان با انجام کار نیک (۳) حفظ آبروی بندگان گناهکار (۴) پذیرش عبادت‌اندک (۵) رضایت سریع از کسی که طلب آمرزش کرده است.	۲۷
۷۶	یکی از موارد « سبقت و حمت بر غضب خدا » را توضیح دهید. پاسخ: آن است که وقتی انسان کار نیکی انجام می‌دهد، خداوند به فرشته‌اش فرمان می‌دهد که فوراً آن را ثبت نماید اما وقتی گناهی مرتکب می‌شود، از فرشته خود می‌خواهدتا بنده‌اش، توبه کند و جبران نماید؛ در صورتی که بنده، توبه نکرد، آن گناه را ثبت نماید. همچنین خداوند، عمل نیک را چند برابر باداش و کار بد را فقط به اندازه خود آن گناه، جزا می‌دهد.	۲۸
۷۶	انسانی که به دام گناه می‌افتد و سپس توبه می‌کند را با انسانی که پس از گناه، با حق دشمنی ولجاجت می‌ورزد مقایسه نمایید. پاسخ: انسانی که به دام گناه می‌افتد، خداوند برای او شرایطی فراهم می‌کند که بتواند توبه کند و از گناه دوری نماید، حتی اگر بارها گناه کرد و توبه نمود، باز هم خداوند از گناه او می‌گذرد. اما اگر کسانی چنان در گناه و باطل پیش روئند که از کار خود خرسند باشند و با حق دشمنی و لجاجت ورزند، خداوند به آن‌ها فرصتی می‌دهد و آن‌ها این فرصت را وسیله غوطه‌ور شدن در تاریکی قرار می‌دهند، به طوری که اگر در ابتداء، اندک امیدی وجود داشت که نور حق در دلشان بتابد، به تدریج چنین امیدی بر باد رفته و به شقاوت ابدی گرفتار می‌شوند.	۲۹
۷۶	سنت « املاء » یا « اهمال » را تعریف نمایید. پاسخ: زمانی که مهلکت‌ها و امکانات، با اختیار و اراده خود افراد به صورت بلای الهی جلوه‌گر شده و باعث می‌شود که بار گناهان آنان هر روز سنتگین و سنگین تر شود. این سنت که از جمله سنت‌های حاکم بر زندگی معاندان و غرق شدگان در گناه است، سنت « املاء » یا « اهمال » نام دارد.	۳۰

۷۶	<p>گاهی خداوند علاوه بر مهلت دادن به گمراهان، بر امکانات آنان می‌افزاید و معاندان و گناهکاران با استفاده از همین امکانات و با اصرار خودشان، بیشتر در فساد فرو می‌روند و قدم به قدم از انسانیت فاصله گرفته به تدریج به سوی هلاکت ابدی نزدیکتر می‌شوند» به کدام سنت‌الهی اشاره دارد و کدام آیه شریفه، مبین آن است؟</p> <p>(۱) املاء - والذینَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدِرُ جَهَنَّمَ مَنْ حَيَثُ لَا يَعْلَمُونَ <input type="checkbox"/></p> <p>(۲) استدرج - وَلَا يَخْسِبُنَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا تُنَلِّي لَهُمْ خَيْرٌ لَّا نَفْسُهُمْ... <input type="checkbox"/></p> <p>(۳) استدرج - والذینَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدِرُ جَهَنَّمَ مَنْ حَيَثُ لَا يَعْلَمُونَ <input checked="" type="checkbox"/></p> <p>(۴) املاء - وَلَا يَخْسِبُنَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا تُنَلِّي لَهُمْ خَيْرٌ لَّا نَفْسُهُمْ... <input type="checkbox"/></p>	۳۱
۷۶	سنت «استدرج» را تعریف نمایید. پاسخ: حالت تدریجی در حرکت به سوی عذاب الهی را سنت «استدرج» می‌خوانند.	۳۲
۷۶	قراؤ گرفتن در دایره سنت‌های املاء [امهال] و استدرج، نتیجه و معلول چیست؟ پاسخ: نتیجه و معلول عمل خود انسان هاست.	۳۳
۷۶	چرا باید بکوشیم که در دایره سنت‌های املاء [امهال] و استدرج قرار نگیریم؟ پاسخ: قابه هلاکت ابدی گرفتار نشویم.	۳۴
۷۷	طبق فرمایش امام صادق (ع)، هنگامی که خداوند خیر بنده‌اش را بخواهد، اگر بنده گناهی مرتكب شود، او را گوشمالی می‌کند؛ چرا؟ پاسخ: «قابه یاد نوبه بیفتند.»	۳۵
۷۷	طبق فرمایش امام صادق (ع) اگر خداوند شر بنده‌اش [بنده‌ای که غرق گناه شده است] را بخواهد، بعد از انجام گناه، نعمتی به او می‌بخشد؛ چرا؟ پاسخ: تا استغفار را فراموش کند و به راه خود ادامه دهد. این همان است که خداوند فرموده: «سنَسْتَدِرُ جَهَنَّمَ مَنْ حَيَثُ لَا يَعْلَمُونَ.»	۳۶
۷۷	<p>این فرمایش امیر المؤمنین علی (ع): «چه بسا احسان بیلهی خدا، کسی را گرفتار کند و برد پوشی خدا، او را هغور سازد و باستایش مردم فریب خورد و خدا هیچ کس را همانند کسی که به او مهلت داده، امتحان و آزمایش نکرده است.» به کدام سنت‌الهی اشاره دارد و با کدام آیه شریفه، ارتباط معنایی دارد؟</p> <p>(۱) امهال - والذینَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدِرُ جَهَنَّمَ مَنْ حَيَثُ لَا يَعْلَمُونَ <input type="checkbox"/></p> <p>(۲) استدرج - وَلَا يَخْسِبُنَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا تُنَلِّي لَهُمْ خَيْرٌ لَّا نَفْسُهُمْ... <input type="checkbox"/></p> <p>(۳) استدرج - والذینَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدِرُ جَهَنَّمَ مَنْ حَيَثُ لَا يَعْلَمُونَ <input checked="" type="checkbox"/></p> <p>(۴) امهال - وَلَا يَخْسِبُنَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا تُنَلِّي لَهُمْ خَيْرٌ لَّا نَفْسُهُمْ... <input type="checkbox"/></p>	۳۷
۷۷	از سنت‌های الهی، «تغییر اعمال انسان در زندگی او» را توضیح دهید پاسخ: زننده‌های قرآن کریم و پیشوایان دین بیانگر آن است که آینده هر فرد و اتفاقاتی که برای او رخ می‌دهد، در موارد بسیاری تحت تأثیر رفتارهای گذشته او، اعم از رفتارهای خوب و بد است.	۳۸
۷۸	<p>این فرمایش امام صادق (ع): «مَنْ يَمُوتُ بِالذُّنُوبِ أَكْثَرُ مِنْ يَمُوتُ بِالْأَجَالِ وَ مَنْ يَعِيشُ بِالْإِحْسَانِ أَكْثَرُ مَنْ يَعِيشُ بِالْأَعْمَالِ» به کدام سنت‌الهی اشاره دارد و با کدام آیه ارتباط معنایی دارد؟</p> <p>(۱) تأثیر اعمال انسان در زندگی او - وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمْنُوا وَاتَّقُوا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِمْ بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِنْ... <input checked="" type="checkbox"/></p> <p>(۲) تأثیر اعمال انسان در زندگی او - والذینَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهَدِيهِنَّمْ سُبْلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ <input type="checkbox"/></p> <p>(۳) امداد خاص الهی (توفیق الهی) - وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمْنُوا وَاتَّقُوا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِمْ بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِنْ... <input type="checkbox"/></p> <p>(۴) امداد خاص الهی (توفیق الهی) - والذینَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهَدِيهِنَّمْ سُبْلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ <input type="checkbox"/></p>	۳۹

جدول ذیل که درباره تأثیر اعمال انسان در زندگی اوست و در تعالیم دینی آمده است را تکمیل نمایید:

۷۸	<table border="1" style="width: 100%; border-collapse: collapse;"> <tr> <td style="width: 30%;">عمر را افزایش می‌دهد.</td><td style="width: 70%;">صله رحم، محبت به خویشان و دادن صدقه؛</td><td style="text-align: center;">۱</td></tr> <tr> <td>عمر را کاهش می‌دهد.</td><td>قطع رحم و بی محبتی به خویشان؛</td><td style="text-align: center;">۲</td></tr> <tr> <td>زندگی را بهبود می‌بخشد.</td><td>احسان به والدین، امانت داری، قلمه حلال، آب دادن به درخت قشنه، سیراب کردن حیوانات و بطرف کردن اندوه و غصه دیگران؛</td><td style="text-align: center;">۳</td></tr> <tr> <td>نزول بلا و عدم استجابت دعا را به دنبال دارد.</td><td>ظلم به دیگران و افزایش گناه (چه فردی و چه اجتماعی)؛</td><td style="text-align: center;">۴</td></tr> <tr> <td>سبب نزول برکات الهی می‌گردد.</td><td>تفوا و ایمان واقعی به خداوند؛</td><td style="text-align: center;">۵</td></tr> </table>	عمر را افزایش می‌دهد.	صله رحم، محبت به خویشان و دادن صدقه؛	۱	عمر را کاهش می‌دهد.	قطع رحم و بی محبتی به خویشان؛	۲	زندگی را بهبود می‌بخشد.	احسان به والدین، امانت داری، قلمه حلال، آب دادن به درخت قشنه، سیراب کردن حیوانات و بطرف کردن اندوه و غصه دیگران؛	۳	نزول بلا و عدم استجابت دعا را به دنبال دارد.	ظلم به دیگران و افزایش گناه (چه فردی و چه اجتماعی)؛	۴	سبب نزول برکات الهی می‌گردد.	تفوا و ایمان واقعی به خداوند؛	۵	<p>* درباره دادن صدقه، نکته‌ای لازم شد که مطرح گنم و آن این است که، مؤلف محترم در صفحه ۲۴ کتاب درسی به عنوان عامل دفع بلا اشاره فرموده‌اند و از صله رحم به عنوان عامل افزایش طول عمر! ولی در صفحه ۷۸ صدقه دادن به عنوان عامل افزایش عمر، مطرح شده است!!</p>
عمر را افزایش می‌دهد.	صله رحم، محبت به خویشان و دادن صدقه؛	۱															
عمر را کاهش می‌دهد.	قطع رحم و بی محبتی به خویشان؛	۲															
زندگی را بهبود می‌بخشد.	احسان به والدین، امانت داری، قلمه حلال، آب دادن به درخت قشنه، سیراب کردن حیوانات و بطرف کردن اندوه و غصه دیگران؛	۳															
نزول بلا و عدم استجابت دعا را به دنبال دارد.	ظلم به دیگران و افزایش گناه (چه فردی و چه اجتماعی)؛	۴															
سبب نزول برکات الهی می‌گردد.	تفوا و ایمان واقعی به خداوند؛	۵															

*** جدول ذیل را تکمیل نمایید:**

هر انسانی در زندگی خود همواره به وسیله امور «شر» یا با امور «خیبر» در معرفی «آزمایش یا امتحان با ابتلاء» است.	ابتلاء	۳۵/انبیاء	۱
هر کس ادعای ایمان کند، «مورد آزمایش یا امتحان با ابتلاء» قرار می‌گیرد.	ابتلاء	عنکبوت/۲	۲
رحمت واسعة الهی به همه افراد جامعه، چه نیکوکار و چه بدکار، «همی‌رسد».	امداد عام الهی	اسراء/۲۰	۳
خداؤند، کسانی را در راه او قدم بردازند، به طور خاص «هدایت» می‌کنند.	امداد خاص الهی (توفیق الهی)	عنکبوت/۶۹	۴
خداؤند به کافران مهلت می‌دهد و آنان از این مهلت «برای افزودن بر گناه‌هاشان بهره می‌برند».	املاع و امهال	آل عمران/۱۷۸	۵
برخی گناه‌کاران به دست خویش، خود را در معرف هلاکت قرار می‌دهند و «به تدریج» گرفتار عذاب می‌شوند.	استدراج	اعراف/۱۸۲ و ۱۸۳	۶
خداؤند، پاداش کار نیک را چند برابر و گینه کار بد را به اندازه آن کار می‌دهند و این نشانه «سبقت رحمت بر شخص» الهی است.	سبقت رحمت بر شخص	انعام/۱۶۰	۷
مطلوب با قانون الهی، آینده انسان بر اساس «نتیجه عمل وی در زندگی‌اش» رقم می‌خورد.	تأثیر اعمال انسان	اعراف/۹۶	۸